





نوم: 4785: Anyasofya

۱- بوکتایده ایکین ورده نوماریس واردر ،
 بخیسی اولم قیمری رنگله صحنه اوردن تالونندکنارلری
 دایه ایینه یازمیس

ایکینجی ده یکی رقم اولم وقورسون قلم ایله
 ورق اولم اوستن صول کورن یازمیس
 ایکین نومارا آراسنده بعضاً 6 و بعضاً ده
 4 فرود واردر ،

۲- مجموع ده 129 رساله موجوددر ،

له رساله نده باشلا نغیج طرفلرین چاریدیلر (

صوکنه ده یو اولمده 11 ساتیری

اور ساله نده قاجنی رساله اولم یعنی کومستری

رقم ایله برلکده ساله نده یاسه طرفنه یازمیس

نمرا: « 36/ » اوتوزینجی رساله نده یاسه طرفنه

16.6.989

مجموعه لطائف فی کل فن ظریف

آنا صحنه

4785

یا ابراه ۱۹۴

اشارة لا عمود صاحب	الاشارة لصاحب الجاهلية	رسالة انشائية في مباحث
٧٠	٧٠	٧١
تقرير اوتشيكلا وفق السوا	المسئلة لاجل البهتة لسان	انحلت المشعة الكونية
ترتيب الفرقان في	الاشارة لافعال الكثر	ذكر رؤيا البهتة
٧٢	٧٢	٧٣
واميم السبعة القراء	القيس العالين بالنسب	مع شرح الحق لها
جدول السعادة والنحو	شروط العشرة	في اداب العار
٧٣	٧٣	٧٥
العارضة لاجل القدر الا	في الدعا	والعشرة
بيان لقالات الكوفة	جدول الكوفة والمات	بيان كفات القطيفة
٧٥	٧٥	٧٦
والقاب عالاتها المختلفة	في استخراج حال المص	تظاير كلام الشرع والعقل
اشارة وجيزة لازعافات	تقررات القطيفة والافاد	جدول المتواليات العدة
٧٦	٧٧	٧٧
نجر الزيل بامسا لها	الشريعة في جواهر الخفية	فرا الاقوال البسيطة الكعابة
تقرير جد الكسوف وتصور	اشراق نور الاضياء	بيان مقولات العشرة
٧٨	٧٨	٧٨
موقع السخوف	التيارة لاجل السطح	تخصيصا لاساس المعقب
جدول الجواهر الاغراض	بيان كيفية النسب العدة	تشكيل من تسمى بيان
٨٠	٨٠	٨١
اللازمة والمرأية	والهندسية والليفية	احوال الهنات والابام
تبصرة لطيفة نورية تعرف	بيان ترتيب الاعيان	منظومات مخزن الاسرار
٨١	٨٢	٨٣
بها طبائع الحروف واوران	تكون الاكوان على سبيل	مقام العذر من بعض الجاهات
دواير حجب الريح الاربعة	الاشعار بجمال البقال المصنوع	في بيان الناسب المادية
٨٣	٨٣	٨٤
وكلمة انما المرستة	والمصانيف والعدم والمكة	في تقسيم البروج الفلكية
تقرير كفات البديعة	بيان الولايات في ثور الحمل	جدول ايام
٨٥	٨٨	٨٨
تعدية انواع انجبار المعاني	منه بكونه في النطفة لافا	الظفر

بحث في وفهمه من فقا	خلاصة شكايات القضاة	تعداد سور كتاب الله الكريم	تعداد حروف المشبه بالفعل
٨٩	٨٩	٩٠	٩١
واقعة الموقد العظمى والظفر	واجب لاجل المثل الشدة	الذرية الباسية لاجل المثل	والافعال المناقضة وحروف
تبين وقوع الشرور الواقعة	بيان شرف العلم وكمال	كيفية السبعة المذكورة	اقسام علم الفقه من العبادات
٩١	٩٢	٩٢	٩٢
في الاكوان لوضوح	حكايت فتح	الكريمة لاجل الموضحة	والعقود والاقباعات
شروط الرضا والاعلى	المكة المعظمة	تاويلات النقول من السور	ضرب من عمل
٩٢	٩٣	٩٣	٩٣
وصحح السبعة والظفر	بيان نورة المؤمنين	لواعب الدهر المصنوعة	الاحكام الشرعية
٩٣	٩٣	٩٤	٩٤
تفسير لافهمه من فقا	الاشارة بقاوه بالانوار	كشف بعض الاسرار المكنونة	تقرير واقعات غرة العز
٩٤	٩٤	٩٤	٩٥
شارت لطيفة	موارد حروف القابل	تعداد شرائط الوقت والوقت	قصة الخيرة وتعداد
٩٤	٩٥	٩٥	٩٥
شرفها غرة من سائر الجاهات	من الواو والافاد والاحاد	ومواعل الارث وحسب علم	السبعة بعناية الملكات
ماشية المستودعات	في تاريخ طبقات ملوك	تصوير مواقع البلدان	بيان اختلاف الاقوال
٩٥	٩٥	٩٥	٩٥
النجى واليقين	البحر المظلم والامم	اقاليم السبعة	في حقيقة الجاهات
٩٥	٩٥	٩٥	٩٥
تعداد سبب احترام النساء	سجدة وتمية في مفر الكلك	استخراج سمات البهائم	الملازمة والمرأية
٩٥	٩٥	٩٥	٩٥
البحر المظلم والامم	بيان وضع بيت الله الحرام	الاولقات المنوعة	طريق الاستدلال في العبادات
٩٥	٩٥	٩٥	٩٥
البحر المظلم والامم	في ذكر المعظم المبارك وطول	في الاقباعات المما	الركائبات الشابة
٩٥	٩٥	٩٥	٩٥
جدول اصول الشجرة الفتوة	تعدية امنية مصادق	مفتاح الابواب عالم	جدول الطول من العبادات
٩٥	٩٥	٩٥	٩٥
البحر المظلم والامم	جدول حشبات الاممال	في السات وخطوط السيات	صور البهائم
٩٥	٩٥	٩٥	٩٥



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي خلق الأكوان و أظهر الأعيان على وفق الأماكن الأحيان
و وضع الميزان صونا عن الطغيان العصيان على النظام الأقوم الأبرار
و سوى سبع و ثمانين و الف و مئتين و مائة و ثمانين و ثمانين و ثمانين
الأعظم و زين پسند انخلافة النظاره الباهرة في مشهد الملائكة بوجود
بريق فطرته و صيغ قدرته ابناء آدم بتعليم الاسماء و تشراف الانبياء
و الانشأ باللوحي و القلم حيث قال سبحانه و تعال و علم الانبياء بالعلم
ارشد الراشدين الخايزين به تبايس قواعد الميزان في اساس الحكم
البحر المتبصرين منهم باثقة البرهان نور الايمان الى حقائق العرفان

[illegible][illegible]

بافصاحم
احتمالات از تفنن شریک
و ماکولات و رب و اهور و بلاد و پهل
طبیعیات معلوم **لکن** بعد از نظر اصابت اشغال
و حکم در آن اتفاقیات اولیه و تصحیحات کوشیدید و بالهام
فائل در امور و معانی متناهیة باز ای هر یک از کلی و جزئیات و عرضی و ضعیفی نوعی و صنفی
و خاصه الفاجبه و متناسب با برای هر یک از کلی و جزئیات و امور متناهیة را باوصاف و اضافات نماید و **مصدر** بخوبی و حریف
شخصی یعنی ذهنی که در دوز **از آنکه** بعضی از معانی و اموری که باوصاف و اضافات نماید و **مصدر** بخوبی و حریف
نظر با عرض این که بگویند کیفیت لایحه و اجتناب از خطای انواع و اضافات نماید و **مصدر** بخوبی و حریف
نظر با عرض این که بگویند کیفیت لایحه و اجتناب از خطای انواع و اضافات نماید و **مصدر** بخوبی و حریف
نظر با عرض این که بگویند کیفیت لایحه و اجتناب از خطای انواع و اضافات نماید و **مصدر** بخوبی و حریف

[illegible]

الثاني مع التفسير القرآني

[illegible]

الراجح في أصول الفقه وهو

أما الأصول وعين معرفة كيفية اشتغال
وغيره من كيفية اشتغال
القوانين المفيدة في الأدلة المتقدمة في الأصول
الأحكام الشرعية من القياس الصحيح مع عدم
الاشتباه والامتناع من الأصول الظاهرة في الأصول
في الأصول والظاهر في الأصول الظاهرة في الأصول
الوجوب والاشتغال في الأصول الظاهرة في الأصول
المطلقات والاشتغال في الأصول الظاهرة في الأصول
المستوعبة بالتعارض لا سيما في الأصول
والمستوعبة إن الامتناع من الأصول الظاهرة في الأصول
متواترا إن الامتناع من الأصول الظاهرة في الأصول
بالقياس أما الفروع المستنبطة من المعاني
القصصية التجارية في العبادات والاشتغال في
التفصيلية التجارية في العبادات والاشتغال في
التفصيلية التجارية في العبادات والاشتغال في
التفصيلية التجارية في العبادات والاشتغال في

۱۱۴

در اعطاء مسعوده و مرکب مسواطیه
مشکر و قول شایع و جازم و غیره

حرف ۱۴۱

در فرق میان علوم و بیان
منطق و طبع و عین

حرف ۱۵ ذال

در بیان فاطمه زهرا پس از
حواص و اعراض

حرف ۱۴ سین

وہ تعالیٰ رضا بخشد

حرف ۱۸ ضا

در عبارت واجب و نقص

حرف ۱۱۳ عین

در حال انواع شمشیر قیاسات

حرف IV

در شرف بر روی پان

حرف ۱۲۶ می

در بیان بابی مباحث

1940

در شرایط مساعد

12A-01

در فواید علوم و فرق میان

و در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون

فی الجمله ترجمان برستی از معارف حقیقه و دقایق
مورثه اندک و درین راه طبقات شمارند کتب و عقاید
و معجز کونیه در پیه و سپهرها و لیلیات ماست و پیه
و مقویات و سببها و مرطبات و عطاریات جمله اشیا
حکیمه گشته غرض محض عایت لطایف معنی
موصوفه بآن خواص را و اگر استعمال لفظ در معنی اصلی
نموده غرض از اطلاق در معنی شبه بلاغت و بلاغت
باشد نخست **تشبیه** و تشبیه همچو ماه و قمر بر عاریت
تجسیمی ترکیبی و تحلیل و یا مناسبات
و این است **استعاره** و اختلاف اعتبارات و قراین و اضافات
و تضاد مثلا اشتباه و اقچه بین المثلثه و متواطیه
و **کنایه** نیز در بی در بطور و احاطه که از مشاطه نماید
عدد و می و رسمی بر می و می نباشد عزیزی
لکن در معارضه با نازی آن یک تعریف و دیگری حاد و
مشترک اند و قوت استعمال در موضعین را یکی قریبه صفت
قد بکریا افعال خواهند بود با شواهد اضافی و با مراد و
از آن میان مبالغه نمود که چه شود که از آن مقول

و در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون

و در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون

و در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون

لغوی لذت پنج ذایقه شعور اهل زبان و اصحاب
مطابق را صد در عدد موجود و معدوم
آنکه بقایه حرز معنی افزاید کمال و در محل در مقام
تعبیر و تکیه اصطلاح منطقی و مفرد مستقل
ایقان ید لهند حسب الاشاره شان با بفرغ
در اعلام بری از اشارت بر زبان است و با اشارت یکی از
و مستقل و حال و غیر مستقل و الیقین **حرف**
و معرف منطقی فعل **کلمه** و حرف اداه و همچو انسان
بال و کثر مشاغل را احتلال احوال لازم اوضا
دال بر ذات و نظیر صفتی مجرد از **صفات** و ناطق بر
هر دو آن و بود و نه بر نفس زمان و **مقدم** و **مبتدا**
بر مجموع زمان و معنی نماید باقی بران و از اصناف
عمال نه مان کو هر سه فعال بعضی
کثره الفاظ مولفه موسوم به بقول و وصف شریف
قول **مشایخ** در بصورتات و قول **جواز** در تصدیقات
الاستیلا نفس تصور منتهی و اگر مانع
پریشان الغارشان بعد از تفسیر و تطییر

و در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون
در این علم نیز در هر دو مورد و الا اشارت مضمون

[illegible][illegible]

تأمل ایست فی هذه الأصطلاحات والأعتمادات على الأكرار الشعرات وتراكم الذرات		قسطار هزار و دویست وقیه ۱۰ اطل ۹۰ مثقال		ذوق سرطل و نقص و نقص وقیه		صلع چهار صد ۷۲۰ مثقال هزار بست درم		مد سرطل ۸۰ مثقال ۲۵۵ درم	
طالیمون صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		قطامه شازده وقیه		رطل عرانی دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		رطل مکی ضعف رطل ۲۱۶		منه چهل ۴۰ مثقال	
رطل مدین یک و نیم رطل ۲۱۶		منه دویست و شصت درم		منه هزار و دویست مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه		منه دوازده وقیه ۹۰ مثقال بست درم		منه چهل ۴۰ مثقال		منه چهل ۴۰ مثقال	
منه صد و تسویج رطل عرانی ۱۵۰ وقیه		منه شازده وقیه							

[illegible]

[illegible]

وَمُتَوَدِّعًا

...

[illegible]

一

[illegible]

کل اولک کان عمیولا ناہید

وَيُتَمَّزُ بِمَعْلَمَةٍ تَبْتَغِيهِ بِنَانُهُ لِأَنَّهُ غَيْرُ شَارِكٍ فِي حَقِّهِ
وَالْفَعْلُ يَنْفَعُ بِلَا زَمَنٍ وَالزَّمَانُ يَنْفَعُ بِالرَّوْعِ وَكَذَلِكَ الْكَلَامُ
وَعُودُ الْأَوَّلِ تَعَالَى مَا لِي أَوْجِدُ سَائِرَ الْوُجُودَاتِ مُتَمَّزَةً

بعد از مناظر محبت ما در شربت کما

عنه وكذا صفاته على وجه الحق واشرف وانم من صفاته
على الصفات فان العلم ضاع عن وهو من صفاته على وجه
ولما كان ذاتا عين العالم والعلم والحكم كل واحد من صفاته

مکرده بعد اکر و مصر عالم آرا سحر دار

بمفعول الأشياء والصن على انه مبدأ تلك الصن الموجودة
النافعة عنه بحجة غاية القوة فيس فيه اخلاص صور مرتبة
متخالفة لا يعقبا وبما لا اخلاص قريب لا يعقبا

من خارج فكان الله تعالى القاتل ومبارك ووجوده موجودات
السماوية ودار الخلافة ودار النوان

فَقَعْلُهُ اَيْضًا مَا يَرَى لِحَقْلِ الْكَلَامَاتِ وَهَذَا جَمِيعُ شَيْئِهِ فَلَا
يُفَارِقُ آتَهُ وَصِفَاتِهِ وَشَيْئَاتِهِ إِلَّا مَا سَوَاءٌ **تَعَالَى اللَّهُ**
الشَّيْءَ وَالْكَالِ وَأَنَّ يَتْلُو الْفِكْرَ وَالْعِلْمَ الْمُدَّةَ **الْكُلُومِ** كُلِّ

سندده وانما يحدث القوي في الهاله

منشور بود و از اتصال کلمات و افعال در این کتاب
و در بعضی از کتب دیگر که در این کتاب
از جمله کتب مشهور است که در این کتاب
در بعضی از کتب دیگر که در این کتاب
در بعضی از کتب دیگر که در این کتاب

استخراج احكام فرعيه فقهه از اوله القصيده
 ۱ معرفت شرائط ۲ معرفت مراد از لفظ ۳ معرفت
 ۴ احكام ۵ معرفت موانع اجتماع ۶ معرفت
 ۷ ادله عقديه ۸ معرفت كيفيت استدلال ۹
 معرفت مانع و مفسخ و ماحض و ماحض و ماحض
 و تفهيد غير آن ۸ وقت استنباط ۹

من ارتسام صور النیر فی اجزاء شمسیدیه

اقتباسا من قوله لم يكن لها وجود ولا يقوم الذات اللوازم بل
الذات متوجبة للارزاق الا لا سيما الاول وهو ما يقتله مراتب
والتوجه بعد فهو بواسطته ومرتبة لا رتبة بعد لا رتبة

اجزاء ہوائیہ معادل خلقیہ و نطعیہ و ہر

الغير النهائية لما كان الكل يقدره وصيده
عن ذاته وقهر عين وجودها وسبب وجود الأشياء
عليها وعقلها لها لا وجود لها سبب عليه فقلت

یکی از مفردات بسط شروط اجتهاد

١١١
 ذامه الذي سب الرجل متطاعا الكلب اوسمها
 ولوا زوها واحلاف والالهة فكف بحى عليه شيء فاما الله

نقبات آرتیب اگر از رخ برآمد از و خراود

عن ذلك علوا كبيرا ولما العجرات كلها معقولة له و
يعقوا الاشياء عند انها علة لافيه كما يعقل اعني بل
اضافه المعقولات اليه اضافة محضة عقلية محضة فقط

مضمار شود که تار و محیط و ایر عظام محاط کر

[illegible]

Handwritten marginal notes in Persian script, likely explaining astronomical concepts related to the main text.

جو ایس العیوب سه در یک انجی مجموع
فی شبیه کان بر سواد خوانان صحیف عرفان بیان که در کتاب
مختصر بام واسیع و اوقات و وقت و شهر و سنین
و ساعات که عتد حیران که انام معلوم الیه
کم از بیش درجات انحطاط پس در او
مجموع الماهیه جو است یا عرض مقدار است یا غیر
مقدار موجود است یا موهوم از انجی اختلاف در
حقیقت آن کرده **جمهور** **یک** جو عدم
فلق احسن سق و نصف درجه ارتفاع
چنانکه قابل تقدیرات و همیه قاره دانند و خلاصه
جان قابل تقدیرات و همیه غیر قاره دانند و زمانا
مراد از ان خواهند بود بر عشان عالم خواهد بود
تا وی شاخص و ظل محقق تا و الموائ
و خواه باشد که مکان و زمان محققند یقین و همی
نزد محققین بطلان این رای از ثوب حکمان غاری بری
و ملخص کلام حکما آنکه حکم مشاهده زمان متفاوت است
و و م قطب الحروف عقول و بصوس

Handwritten marginal notes in Persian script, continuing the astronomical discussion.

Handwritten marginal notes in Persian script at the bottom of the right page.

Handwritten marginal notes in Persian script at the top of the left page.

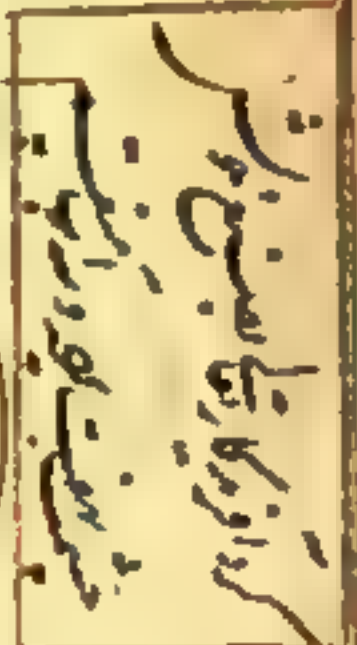
طرف و مطروف و محلول الارض من
بفرض هر دو حرکت متین الاحد و الثلث مختلفه السره
و البطول لاجاله فاش ابعادیت بر و اندک که باشد و محیر
در هر دو حرکت سرعته و بطیته متین الاخذ متساو
الشمس و القمر نظیر الکسوف بعدا و
المسافة کی زد و قطع مسافت کند و کی در زمین امار
امری باشد قابل از نهاده و نقصان و ذواجر و اشیاء
یعنی مقدار غیری از مقوله کم و صفت و اوی و نظار
سبع آخر میل کلی طاهر و بحر و ناری
ارواح صفت است نه کم و فصل مرکبات رانات مثاله
مستلزم ترکیب از اجزای غیری است مقدار متصل
باشد یعنی که اجزای غریبه اش را در خارج با هم جمع نماید
طرنه کامل و طرنه دایره و هو الال
جزو یا مطلق شود موقوف دم از هستی و بدی
انکه قیام عرض برقرار بر موضوع قار حالت توانست
و هیاتی غیره قیام بر موضوع کند و یک مقدار است
والاحسن و الباطن و الظاهر و صلا

Handwritten marginal notes in Persian script, continuing the astronomical discussion.

Handwritten marginal notes in Persian script at the bottom of the left page.

[illegible]

جہات منتهی و اوج مرک و ضعیفہ مدام متبدل اوضاع است پس جناب
و در اجسام طبعیہ عبارت از مقام خاص ایشان و در محد و وضع مخصوص او
بود و شبهات منکرین کہ مکان جوہر متخیر است و نہ غیر متخیر و نہ عرض قایم بر
تمکن نہ غیر تمکن از نائل وافی براینہ اشعار شود و الہدایۃ من اللہ المکین الخ و دود

[illegible]

و کوہ سپہر شکوہ بظلمت جہلی حبیبی از

واسبأ كما ضالك الى اصولها اخر الحكوت فاذا حلت اول الحمل
 استوى الايام واعدل الزمان واخذ الليالي بالافسان
 طاب المواعيد بالصبا وذا بالليل و سالت الادوية ورجت
 ما وراى عرض ستمين مدا والرضار
 الانفار واورق الاشجار وافتحت العيون ودفنت الضروع
 وارتفعت الطوبى الى الموضع وفتت العشب وطلا الزرع
 وغل الحشيش وحل العيش وغل الازهر وفتح النور و
 بالافضا من شيم الانفار عبا و
 وجه الارض وفتحت الهام والافضام وكونت الحشاشات
 والعوام وامتشت الحيوامات في البلاد وفرح الناس
 ذهاب السواس وصالوا الى السبر والارتماس واخذت
 اساس ووام واما ان مشد ماركا
 الارض بحرفا وصارت الدنيا كأنها شاة رعاء تحل و
 تربت فلا يزال تلك حالها وحال اهلها حتى يرك اول الطين
 فتناه طول النهار واخذ الليل في الزيادة واشتد الحر ايضا
 ابد نشان وبکا هوش ورايش نصف

[illegible]

١٠
 ١١
 ١٢
 ١٣
 ١٤
 ١٥
 ١٦
 ١٧
 ١٨
 ١٩
 ٢٠
 ٢١
 ٢٢
 ٢٣
 ٢٤
 ٢٥
 ٢٦
 ٢٧
 ٢٨
 ٢٩
 ٣٠
 ٣١
 ٣٢
 ٣٣
 ٣٤
 ٣٥
 ٣٦
 ٣٧
 ٣٨
 ٣٩
 ٤٠
 ٤١
 ٤٢
 ٤٣
 ٤٤
 ٤٥
 ٤٦
 ٤٧
 ٤٨
 ٤٩
 ٥٠
 ٥١
 ٥٢
 ٥٣
 ٥٤
 ٥٥
 ٥٦
 ٥٧
 ٥٨
 ٥٩
 ٦٠
 ٦١
 ٦٢
 ٦٣
 ٦٤
 ٦٥
 ٦٦
 ٦٧
 ٦٨
 ٦٩
 ٧٠
 ٧١
 ٧٢
 ٧٣
 ٧٤
 ٧٥
 ٧٦
 ٧٧
 ٧٨
 ٧٩
 ٨٠
 ٨١
 ٨٢
 ٨٣
 ٨٤
 ٨٥
 ٨٦
 ٨٧
 ٨٨
 ٨٩
 ٩٠
 ٩١
 ٩٢
 ٩٣
 ٩٤
 ٩٥
 ٩٦
 ٩٧
 ٩٨
 ٩٩
 ١٠٠

از دماغ پرورده پستی کی صلیب است از نخاع
دیگر فرو می آید هر دماغ و هر دو آن که در حقیقت
وید و از دماغ برآمده تا چشم رسیده و طایفه است
و در طویات نشأ از آنها و در آنها ماده جدا از آنها
صلیبه صلیب از آنها در طویات ۲۰ مشهور است
و طویات ۲۰ مشهور است در طویات صلیب
هر آنکه از دماغ برآمده تا چشم رسیده و طایفه است
و در طویات نشأ از آنها و در آنها ماده جدا از آنها
صلیبه صلیب از آنها در طویات ۲۰ مشهور است
و طویات ۲۰ مشهور است در طویات صلیب

ثلث باقى وضعف عيان ^{وعلو الهمة}

الربع وحمل الحمولة الصفراء من الأرض
لحصى الأرض وقت الحلاب منقبت لها من راتبع
القوت وبلغ اوان الحصاد ورايت الدنيا كره من معة بالغة
كاملة كثيرة الشاق طالت في الدنيا استوى في أيام مرة
من الايمان عشرين باصنه اسميته وطفا
واو يا بزمه والآيات بهما فاصب احمد من حيث حرق
تجرى من اشد النهار الفصان ورد لها انصراف الصف
من الشمال يدخل الخريف ونقص الماء وحفا الايمان
عشرين سبع شاد وتقلين اعضاي بيطة
فارت البيوت واصفرت اوراق الاشجار احمر الناس
لحوى النهار وعري وجه الارض من شتاء مات الهوام
وعمرت الاكمام وكثرت الامراض غلبه الاعراض
واينس افعال ابد به بروج مثلث نها
لنصف الطيور اقبلت الرخوش احمر الناس القوت
ودخلت البيوت والبسوا الجلود كأنها صارت الدنيا كماله
تربت عنها شايها وقربا يا لها في لونها في شتاء
ومن يصل الله فماله من زاد اخر ومجدو

[illegible]~~32~~

x
139

四

مقابلة وقالوا في الاشارة ١٠
 ثابته يتابعه ١١
 المتعارفة ١٢
 الأولان والعرب ١٣
 جازا جبردا للأولان والعرب ١٤
 للزوم ١٥
 يقف على ١٦
 كذا ١٧
 كذا ١٨
 كذا ١٩
 كذا ٢٠
 كذا ٢١
 كذا ٢٢
 كذا ٢٣
 كذا ٢٤
 كذا ٢٥
 كذا ٢٦
 كذا ٢٧
 كذا ٢٨
 كذا ٢٩
 كذا ٣٠
 كذا ٣١
 كذا ٣٢
 كذا ٣٣
 كذا ٣٤
 كذا ٣٥
 كذا ٣٦
 كذا ٣٧
 كذا ٣٨
 كذا ٣٩
 كذا ٤٠
 كذا ٤١
 كذا ٤٢
 كذا ٤٣
 كذا ٤٤
 كذا ٤٥
 كذا ٤٦
 كذا ٤٧
 كذا ٤٨
 كذا ٤٩
 كذا ٥٠
 كذا ٥١
 كذا ٥٢
 كذا ٥٣
 كذا ٥٤
 كذا ٥٥
 كذا ٥٦
 كذا ٥٧
 كذا ٥٨
 كذا ٥٩
 كذا ٦٠
 كذا ٦١
 كذا ٦٢
 كذا ٦٣
 كذا ٦٤
 كذا ٦٥
 كذا ٦٦
 كذا ٦٧
 كذا ٦٨
 كذا ٦٩
 كذا ٧٠
 كذا ٧١
 كذا ٧٢
 كذا ٧٣
 كذا ٧٤
 كذا ٧٥
 كذا ٧٦
 كذا ٧٧
 كذا ٧٨
 كذا ٧٩
 كذا ٨٠
 كذا ٨١
 كذا ٨٢
 كذا ٨٣
 كذا ٨٤
 كذا ٨٥
 كذا ٨٦
 كذا ٨٧
 كذا ٨٨
 كذا ٨٩
 كذا ٩٠
 كذا ٩١
 كذا ٩٢
 كذا ٩٣
 كذا ٩٤
 كذا ٩٥
 كذا ٩٦
 كذا ٩٧
 كذا ٩٨
 كذا ٩٩
 كذا ١٠٠

[illegible]

53

و تقدیر حاصل شد و صدقه ادرار بشمار سپرت شایسته
 لکن بعد از وفات او اکل غناید و در صورتی که
 علیه ترکیبی از زرد فقا ط عاری باشد خلا
 برات شانزه کانه تا مده جامعه که جزو
 مدبر بومی و لیست آنها باختلاف ایام و لیست
 مختلف کسود و در اندازند و دعوت کثیر
 مرتبه اخیره دانند و هرگاه در وقت
 طاقت احراز مرتبه مرکبه ارسبعه
 کامله و عشره کامله ۱۷ باشد این را بر او
 بفرمایند یعنی در یک وقت از شانزه مرتبه
 تجا و زینمانید پس هر یک را مجلس سازند
چنانکه شب دعوت تا مده پردازند
 و روز یکبر اغازند و تا صله دهند
 میان آن دو وقت بغریضه یا نافله یا ذخیره
 و خروجی از خلوت با تخام مرام و علیک
 الاهتمام فی الاستیاء و الانتهاء الا
 عظام و الاختتام والله بدعوا

نقطه اصلی در صورت تمییز بر وضع

فاما مع واج حالي انما هو حرركات طلي حال ظهوره
اربعه هياكل ١٤ ونغزة اى آية واقى هداية ان
عده الشهر عندنا اثني عشر شهرا في كالم الله ان
دوساق مثلث عديم القاعد
شمار بروج عاليه اعظم معادل منازل قمرية ومحامي
مفاتيح رموز كرون وبروز نفوذ كنوز رحمت بمانا
بخار قدس اله افنى حروف هجائية است لهند

از آنکه بد تو فطرت احتمالات سفلیه از
دعوت کبیر مرتفع با مسطح اسم را در ۴۰ ورد سازند
و چنانچه طاق حلال نیارند خارج قسمت حاصل
۴۰ یا ۶۰ یا ۸۰ یا ۱۰۰ یا ۱۲۰ یا ۱۴۰ یا ۱۶۰ یا ۱۸۰ یا ۲۰۰ یا ۲۲۰ یا ۲۴۰ یا ۲۶۰ یا ۲۸۰ یا ۳۰۰ یا ۳۲۰ یا ۳۴۰ یا ۳۶۰ یا ۳۸۰ یا ۴۰۰ یا ۴۲۰ یا ۴۴۰ یا ۴۶۰ یا ۴۸۰ یا ۵۰۰ یا ۵۲۰ یا ۵۴۰ یا ۵۶۰ یا ۵۸۰ یا ۶۰۰ یا ۶۲۰ یا ۶۴۰ یا ۶۶۰ یا ۶۸۰ یا ۷۰۰ یا ۷۲۰ یا ۷۴۰ یا ۷۶۰ یا ۷۸۰ یا ۸۰۰ یا ۸۲۰ یا ۸۴۰ یا ۸۶۰ یا ۸۸۰ یا ۹۰۰ یا ۹۲۰ یا ۹۴۰ یا ۹۶۰ یا ۹۸۰ یا ۱۰۰۰ یا ۱۰۲۰ یا ۱۰۴۰ یا ۱۰۶۰ یا ۱۰۸۰ یا ۱۱۰۰ یا ۱۱۲۰ یا ۱۱۴۰ یا ۱۱۶۰ یا ۱۱۸۰ یا ۱۲۰۰ یا ۱۲۲۰ یا ۱۲۴۰ یا ۱۲۶۰ یا ۱۲۸۰ یا ۱۳۰۰ یا ۱۳۲۰ یا ۱۳۴۰ یا ۱۳۶۰ یا ۱۳۸۰ یا ۱۴۰۰ یا ۱۴۲۰ یا ۱۴۴۰ یا ۱۴۶۰ یا ۱۴۸۰ یا ۱۵۰۰ یا ۱۵۲۰ یا ۱۵۴۰ یا ۱۵۶۰ یا ۱۵۸۰ یا ۱۶۰۰ یا ۱۶۲۰ یا ۱۶۴۰ یا ۱۶۶۰ یا ۱۶۸۰ یا ۱۷۰۰ یا ۱۷۲۰ یا ۱۷۴۰ یا ۱۷۶۰ یا ۱۷۸۰ یا ۱۸۰۰ یا ۱۸۲۰ یا ۱۸۴۰ یا ۱۸۶۰ یا ۱۸۸۰ یا ۱۹۰۰ یا ۱۹۲۰ یا ۱۹۴۰ یا ۱۹۶۰ یا ۱۹۸۰ یا ۲۰۰۰ یا ۲۰۲۰ یا ۲۰۴۰ یا ۲۰۶۰ یا ۲۰۸۰ یا ۲۱۰۰ یا ۲۱۲۰ یا ۲۱۴۰ یا ۲۱۶۰ یا ۲۱۸۰ یا ۲۲۰۰ یا ۲۲۲۰ یا ۲۲۴۰ یا ۲۲۶۰ یا ۲۲۸۰ یا ۲۳۰۰ یا ۲۳۲۰ یا ۲۳۴۰ یا ۲۳۶۰ یا ۲۳۸۰ یا ۲۴۰۰ یا ۲۴۲۰ یا ۲۴۴۰ یا ۲۴۶۰ یا ۲۴۸۰ یا ۲۵۰۰ یا ۲۵۲۰ یا ۲۵۴۰ یا ۲۵۶۰ یا ۲۵۸۰ یا ۲۶۰۰ یا ۲۶۲۰ یا ۲۶۴۰ یا ۲۶۶۰ یا ۲۶۸۰ یا ۲۷۰۰ یا ۲۷۲۰ یا ۲۷۴۰ یا ۲۷۶۰ یا ۲۷۸۰ یا ۲۸۰۰ یا ۲۸۲۰ یا ۲۸۴۰ یا ۲۸۶۰ یا ۲۸۸۰ یا ۲۹۰۰ یا ۲۹۲۰ یا ۲۹۴۰ یا ۲۹۶۰ یا ۲۹۸۰ یا ۳۰۰۰ یا ۳۰۲۰ یا ۳۰۴۰ یا ۳۰۶۰ یا ۳۰۸۰ یا ۳۱۰۰ یا ۳۱۲۰ یا ۳۱۴۰ یا ۳۱۶۰ یا ۳۱۸۰ یا ۳۲۰۰ یا ۳۲۲۰ یا ۳۲۴۰ یا ۳۲۶۰ یا ۳۲۸۰ یا ۳۳۰۰ یا ۳۳۲۰ یا ۳۳۴۰ یا ۳۳۶۰ یا ۳۳۸۰ یا ۳۴۰۰ یا ۳۴۲۰ یا ۳۴۴۰ یا ۳۴۶۰ یا ۳۴۸۰ یا ۳۵۰۰ یا ۳۵۲۰ یا ۳۵۴۰ یا ۳۵۶۰ یا ۳۵۸۰ یا ۳۶۰۰ یا ۳۶۲۰ یا ۳۶۴۰ یا ۳۶۶۰ یا ۳۶۸۰ یا ۳۷۰۰ یا ۳۷۲۰ یا ۳۷۴۰ یا ۳۷۶۰ یا ۳۷۸۰ یا ۳۸۰۰ یا ۳۸۲۰ یا ۳۸۴۰ یا ۳۸۶۰ یا ۳۸۸۰ یا ۳۹۰۰ یا ۳۹۲۰ یا ۳۹۴۰ یا ۳۹۶۰ یا ۳۹۸۰ یا ۴۰۰۰ یا ۴۰۲۰ یا ۴۰۴۰ یا ۴۰۶۰ یا ۴۰۸۰ یا ۴۱۰۰ یا ۴۱۲۰ یا ۴۱۴۰ یا ۴۱۶۰ یا ۴۱۸۰ یا ۴۲۰۰ یا ۴۲۲۰ یا ۴۲۴۰ یا ۴۲۶۰ یا ۴۲۸۰ یا ۴۳۰۰ یا ۴۳۲۰ یا ۴۳۴۰ یا ۴۳۶۰ یا ۴۳۸۰ یا ۴۴۰۰ یا ۴۴۲۰ یا ۴۴۴۰ یا ۴۴۶۰ یا ۴۴۸۰ یا ۴۵۰۰ یا ۴۵۲۰ یا ۴۵۴۰ یا ۴۵۶۰ یا ۴۵۸۰ یا ۴۶۰۰ یا ۴۶۲۰ یا ۴۶۴۰ یا ۴۶۶۰ یا ۴۶۸۰ یا ۴۷۰۰ یا ۴۷۲۰ یا ۴۷۴۰ یا ۴۷۶۰ یا ۴۷۸۰ یا ۴۸۰۰ یا ۴۸۲۰ یا ۴۸۴۰ یا ۴۸۶۰ یا ۴۸۸۰ یا ۴۹۰۰ یا ۴۹۲۰ یا ۴۹۴۰ یا ۴۹۶۰ یا ۴۹۸۰ یا ۵۰۰۰ یا ۵۰۲۰ یا ۵۰۴۰ یا ۵۰۶۰ یا ۵۰۸۰ یا ۵۱۰۰ یا ۵۱۲۰ یا ۵۱۴۰ یا ۵۱۶۰ یا ۵۱۸۰ یا ۵۲۰۰ یا ۵۲۲۰ یا ۵۲۴۰ یا ۵۲۶۰ یا ۵۲۸۰ یا ۵۳۰۰ یا ۵۳۲۰ یا ۵۳۴۰ یا ۵۳۶۰ یا ۵۳۸۰ یا ۵۴۰۰ یا ۵۴۲۰ یا ۵۴۴۰ یا ۵۴۶۰ یا ۵۴۸۰ یا ۵۵۰۰ یا ۵۵۲۰ یا ۵۵۴۰ یا ۵۵۶۰ یا ۵۵۸۰ یا ۵۶۰۰ یا ۵۶۲۰ یا ۵۶۴۰ یا ۵۶۶۰ یا ۵۶۸۰ یا ۵۷۰۰ یا ۵۷۲۰ یا ۵۷۴۰ یا ۵۷۶۰ یا ۵۷۸۰ یا ۵۸۰۰ یا ۵۸۲۰ یا ۵۸۴۰ یا ۵۸۶۰ یا ۵۸۸۰ یا ۵۹۰۰ یا ۵۹۲۰ یا ۵۹۴۰ یا ۵۹۶۰ یا ۵۹۸۰ یا ۶۰۰۰ یا ۶۰۲۰ یا ۶۰۴۰ یا ۶۰۶۰ یا ۶۰۸۰ یا ۶۱۰۰ یا ۶۱۲۰ یا ۶۱۴۰ یا ۶۱۶۰ یا ۶۱۸۰ یا ۶۲۰۰ یا ۶۲۲۰ یا ۶۲۴۰ یا ۶۲۶۰ یا ۶۲۸۰ یا ۶۳۰۰ یا ۶۳۲۰ یا ۶۳۴۰ یا ۶۳۶۰ یا ۶۳۸۰ یا ۶۴۰۰ یا ۶۴۲۰ یا ۶۴۴۰ یا ۶۴۶۰ یا ۶۴۸۰ یا ۶۵۰۰ یا ۶۵۲۰ یا ۶۵۴۰ یا ۶۵۶۰ یا ۶۵۸۰ یا ۶۶۰۰ یا ۶۶۲۰ یا ۶۶۴۰ یا ۶۶۶۰ یا ۶۶۸۰ یا ۶۷۰۰ یا ۶۷۲۰ یا ۶۷۴۰ یا ۶۷۶۰ یا ۶۷۸۰ یا ۶۸۰۰ یا ۶۸۲۰ یا ۶۸۴۰ یا ۶۸۶۰ یا ۶۸۸۰ یا ۶۹۰۰ یا ۶۹۲۰ یا ۶۹۴۰ یا ۶۹۶۰ یا ۶۹۸۰ یا ۷۰۰۰ یا ۷۰۲۰ یا ۷۰۴۰ یا ۷۰۶۰ یا ۷۰۸۰ یا ۷۱۰۰ یا ۷۱۲۰ یا ۷۱۴۰ یا ۷۱۶۰ یا ۷۱۸۰ یا ۷۲۰۰ یا ۷۲۲۰ یا ۷۲۴۰ یا ۷۲۶۰ یا ۷۲۸۰ یا ۷۳۰۰ یا ۷۳۲۰ یا ۷۳۴۰ یا ۷۳۶۰ یا ۷۳۸۰ یا ۷۴۰۰ یا ۷۴۲۰ یا ۷۴۴۰ یا ۷۴۶۰ یا ۷۴۸۰ یا ۷۵۰۰ یا ۷۵۲۰ یا ۷۵۴۰ یا ۷۵۶۰ یا ۷۵۸۰ یا ۷۶۰۰ یا ۷۶۲۰ یا ۷۶۴۰ یا ۷۶۶۰ یا ۷۶۸۰ یا ۷۷۰۰ یا ۷۷۲۰ یا ۷۷۴۰ یا ۷۷۶۰ یا ۷۷۸۰ یا ۷۸۰۰ یا ۷۸۲۰ یا ۷۸۴۰ یا ۷۸۶۰ یا ۷۸۸۰ یا ۷۹۰۰ یا ۷۹۲۰ یا ۷۹۴۰ یا ۷۹۶۰ یا ۷۹۸۰ یا ۸۰۰۰ یا ۸۰۲۰ یا ۸۰۴۰ یا ۸۰۶۰ یا ۸۰۸۰ یا ۸۱۰۰ یا ۸۱۲۰ یا ۸۱۴۰ یا ۸۱۶۰ یا ۸۱۸۰ یا ۸۲۰۰ یا ۸۲۲۰ یا ۸۲۴۰ یا ۸۲۶۰ یا ۸۲۸۰ یا ۸۳۰۰ یا

سمو سما و نوریه ابامی علویه مزدوجات
و کبر خارج را اگر باشد بسیار داد و از علاقه
روز بعد از این دیدم آخر کرد و اندک در این است و هر یک
از حصص مختلف را با نظر بر خویش اند و در تالی شریع
عنصریه مخلقه التراکیب متضاده الطبایع

<p>بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله الدعوة الثالثة للاسم من الحادي في تعبير</p>				
صغير	١	ان كان الاسم واحدا	١	تري
كاف	٢	عده مقدر كتيبه	٢	١
١	٣	نقاط تركيبه	٣	١
٢	٤	نقاط لفظيه	٤	٢
٣	٥	نقاط لفظيه	٥	٣
وسط	٦	جمل تركيبه	٦	٤
واحد	٧	جمل لفظيه	٧	٥
١	٨	افلاك شامله	٨	١
١٠	٩	ابراج عاليه	٩	١٠
٣	١٠	نقاط	١٠	٣
١٦٣	١١	درجات كتيبه	١١	١٦٣
كبريات	١٢	سبعه شيا	١٢	١٦٣
مربع	١٣	انقطعات اربعه	١٣	١٦٣
١٤٠٠	١٤	موالد عنصره	١٤	١٤٠٠
	١٥	اسم	١٥	
	١٦	حى	١٦	

[illegible]

بہوی مرکز طبعی و عاشق حبیبی پر کمون

وَرَبَّنَا الرَّحْمَنُ الْمُبْتَلَىٰ عَلَىٰ مَا يَصِفُونَ

وفا و حیا را تجلیات بها و صفا از طو

آن طور در بر نور و سور را هم در وحده را می

عشق و حضور دل از آن میسازد پرستور و خط

[illegible]

[illegible]

و سپهبدی اجمعی بکیرا مانع تصدیق موازناست
نخور و صرخه چه منصوب کوفه مجرور بصیرت
مرفوع تمیز کسور حجاز ۳ آیات واجب رخصه ملو
مشرکات و یقرینه و اضحی عین خود مکه بقدر
و چشمه و رکبه و کزیده و کف میزان باران کوه
و دیده بان ذات و سخا و آفتاب ارشاد و لا

و اذا طل القدر بطل الحذر **مضمون**
 مجاز هم یعنی استعمال لفظ در غیر موضع صحیح
 رعایت مناسبت مانند مشترکات بسیار
 لوح و قلم بخص ارباب جمیع الله صو
 بر همان بیان افروخته منفصله نیز منقول این از
 منقول عنه دشوار از ذکر **و بآیات و احادیث**
 و مینویسند فروع شده عمیه اوله اصولیه
القریه امر ربک و اهل قریه خویشین و قریه
 اصنام و هم اشکار از کرمیه و لله اعلم
 احکام تکلیفیه **خطوط** گویند اعضا
 الناسج **البیت** من استطاع **الیه سبیلا**
 و کذا
 بارزه اقسام قافیه **آفاق** مایه اجزا

۱	عشر ضعیف از میل کامل
۲	عشر ضعیف از میل کامل
۳	از میل کامل بیش از دوازده سال کمتر
۴	مسامحه و بی علم و مبتدیان
۵	از میان مشربین و شرابخواران کمتر
۶	از میان ذوالنعمه و مطهر و مثلاً ثبات
۷	از میان ذوی دوسمه و مطهر و مثلاً ثبات
۸	از میان ذوی ثمانه و مطهر و مثلاً ثبات
۹	از میان ذوی عشرين و مطهر و مثلاً ثبات
۱۰	از میان ذوی ثمانه و مطهر و مثلاً ثبات



نباتیه نفوس استقرائیه کواکب متحیره
لا آخر لما توان فهمید که مختلف
روزه هر سال در تمامی عراز شبانیا کبوت
انظار فلکیه طباع جسمیه خواهر معقوله
مبتلع المینج کافیت و باسینج مطلقه
وضوحید ناز مجرر با تصریح مانع زینا
صلوة مفروضه زکوة مکتوبه مقطعات
اوسته نامه بنیمه بها او مثلها انکار و رد
شیخ بکلفات قطیعه غیر آن بنای عقیده اکثر
کریمه ملائکه معتبره الواعزم مرسل
لیس القرآن تولوا و جوههم قبل الشرف والفرح
ولکن المومنین اعین الله والیوالاخر والاول
لاخلافان الله فی الزینة للعالم العلوی
تقدّمات مشهوره ایام معدوده و مسرود

لَا تَقِمْ بَعْدَ التَّبَلُّو كَمَا أَوَّلَاقِيَّتُهُ بِوَجْهِ الْعِيَةِ انْقِلَابَ نَفْسَانِيَّةٍ
وَأَزْكَرِيَّةٍ وَتَوَابِعَالِيَّةٍ اسْتَحْتَمَ وَكَذَا وَبَيْنَ أَمْتِهِ كَمَا أَنْ تَصَلُّوا
وَأَنْ لَا تَقْلُتُوا أَرَادَ وَنَفَرُوا مَقَامِ أَيْتَاتِ بَرْزَاوَزِيَّتَابِ
وَاضْحَى وَجَاءَ زَكِيَّةٌ وَفَالَكَاةٌ صَفَا صَفَا وَكَذَا الرَّحْمَنُ عِنْدَ الْعَرِشِ
وَمَكَانِ هَرْجَنْدِ لَطِيفِ سَخْنَدَانِ كَمَا الْأَسْمَاءُ مَعْلُومٌ وَالكَيْفِيَّةُ
وَالسَّوَالُ عَنْهُ بَرْغَةٌ كَلَامِيَّةٌ مَعْرُوفٌ بِرُيُوسِ اسْتِحْسَانِ

[illegible]

[illegible]

س با معارض عفت سوار و تقی رسول
اولو الایاب و **لطی مت** ال حقیقت حال انکه
از امر محمود و عفت یار مسوئله حاضر یارکم
احقاق رویه و توار و حکایات سخیم کانی
الاغوال که **هپ** یو جو هر عفت و ما و حیا
در هیچ عصر و زمانه طافت و توانایی
قبول ان ضرر نهشته و مدار و مرآت حقیقت

بعضهم من حملة العلم
والمستغنيين والعقبات والناسطان
والبشرى والنازعات
والعاملات وكذلك خنته لبحان
المقامات وملك الموت ولاعون والعلم
النيران وملك الموت
عن الله العزيز الشان
في تزيين الكبرياء
الطوبى

الثبات الملازم في الكائنات
الافناعية بالنسبة الى التسمية وانما
في كثرهم والحافين والبعثين
الكلام البرهني والنازيان



علت حرکت **مجد و جهت** **مبادا کثرت**
 در ماهیت حرکت عبارت مختلفه ذکر شد کلام قدسیا
 حکما انک خروج شئ است از جایی بقدر فعلی بحدی
 از آنکه در الشئ بدیع منوط بعرفه نظری است
کسب سبب **تعد و علت** **تنزل و حد**
 معروف حرکت نام برادران تعریف عدول کرده گویند کمال
 اوله مابا القوه است من حیث انه بالقوه **فعلی** متحرک تا
 رسیده چیزی را و متحرکه باشد از آنکه و متحرک
مطهر و صلت **مشک و شبهت** **مخرج**
 اوله وصول کلامی این کلام ویرا از جهت و امکا
 نه از حیث جهت حاصل آید و محققین از متاخرین مفهوم
 بدیع و عدول و بعد از این بیانات و در مدافع و تعریف
مطهر ضعیفی **فرا این اویله** **مائش نانو**
 قنار ایتیه و متبادرین از حرکت با اوضاع از تعریف شای
 دانند و در تعریف کلی که حرکت حصول جوهر است
 در جبری بعد جبری گویند انکه شامل هر اقام حرکت
 آمده و خود ان معلوم که کمال و تمامی هر عد

در ماهیت حرکت عبارت مختلفه ذکر شد کلام قدسیا حکما انک خروج شئ است از جایی بقدر فعلی بحدی از آنکه در الشئ بدیع منوط بعرفه نظری است
 معروف حرکت نام برادران تعریف عدول کرده گویند کمال اوله مابا القوه است من حیث انه بالقوه فعلی متحرک تا رسیده چیزی را و متحرکه باشد از آنکه و متحرک
 اوله وصول کلامی این کلام ویرا از جهت و امکا نه از حیث جهت حاصل آید و محققین از متاخرین مفهوم بدیع و عدول و بعد از این بیانات و در مدافع و تعریف
 قنار ایتیه و متبادرین از حرکت با اوضاع از تعریف شای دانند و در تعریف کلی که حرکت حصول جوهر است در جبری بعد جبری گویند انکه شامل هر اقام حرکت آمده و خود ان معلوم که کمال و تمامی هر عد

در ماهیت حرکت عبارت مختلفه ذکر شد کلام قدسیا حکما انک خروج شئ است از جایی بقدر فعلی بحدی از آنکه در الشئ بدیع منوط بعرفه نظری است
 معروف حرکت نام برادران تعریف عدول کرده گویند کمال اوله مابا القوه است من حیث انه بالقوه فعلی متحرک تا رسیده چیزی را و متحرکه باشد از آنکه و متحرک
 اوله وصول کلامی این کلام ویرا از جهت و امکا نه از حیث جهت حاصل آید و محققین از متاخرین مفهوم بدیع و عدول و بعد از این بیانات و در مدافع و تعریف
 قنار ایتیه و متبادرین از حرکت با اوضاع از تعریف شای دانند و در تعریف کلی که حرکت حصول جوهر است در جبری بعد جبری گویند انکه شامل هر اقام حرکت آمده و خود ان معلوم که کمال و تمامی هر عد

در آن که مافی القوه را منبصه ظهور رساند
 صادق اندر مکتوبی حاصل جوهر را بعد حصوله فی جبر
 آخر حرکت به شوب شک موجود در خارج را حرکت
 توسطی که در بدین بودن جسم متحرک در مابین مبادا و متباد
پس کمال قوت مبادا کثرت **در پنج کشف**
 مسافت مجالی که هر حقیقت از مسافت که مقرر می شود
 تواند که بالفعل در آن باشد در هر آن که بان محدود
 در همان آن را و کثرت در حرکت انشائی که در خارج
و نصف اوست **فعلیت** **مذرفه و سبب**
 نباشد و می آمدند غیر قاری و در از ملاحظه معنی که
 در سطحی است و در سطحی نظریات و سبب در سطحی که در
 در خیال مثل خط مستقیم و قطر و ناله و در این طاهر
دوریش از سریم **و حدت اطلاق**
 حواله در جبر مشرق و کثرت حکما چون مبادا کثرت
 موجود و که متصل غیر قاری دانند و مختارشان انکه در میان
 مقدار حرکت قطعه است و در مقدار تمام دلیل انباشت
بسیر نقطه و ایره که در صوت و شیش منشی

در ماهیت حرکت عبارت مختلفه ذکر شد کلام قدسیا حکما انک خروج شئ است از جایی بقدر فعلی بحدی از آنکه در الشئ بدیع منوط بعرفه نظری است
 معروف حرکت نام برادران تعریف عدول کرده گویند کمال اوله مابا القوه است من حیث انه بالقوه فعلی متحرک تا رسیده چیزی را و متحرکه باشد از آنکه و متحرک
 اوله وصول کلامی این کلام ویرا از جهت و امکا نه از حیث جهت حاصل آید و محققین از متاخرین مفهوم بدیع و عدول و بعد از این بیانات و در مدافع و تعریف
 قنار ایتیه و متبادرین از حرکت با اوضاع از تعریف شای دانند و در تعریف کلی که حرکت حصول جوهر است در جبری بعد جبری گویند انکه شامل هر اقام حرکت آمده و خود ان معلوم که کمال و تمامی هر عد

استغفر احوالکم و فطر سیدم باز مگردا در انگاه
و تصور انچه **یا منور** و بر بوی طرب است و **یا پاک**
از پستل سازینه و کفایت بنیة از لذت و عالم
و ساز و نسیم **و یا بلبل** عسیر چه سبیل الهیات
و جوهر عطر و لواحق آن از دودست و کمرشت و فصل و قوت
علت حصول و حجب و امکان قدم و عاوش
آدم و ناقص **و یا آنکه** و هم و خال از انسا و هم و خال

[illegible]

لا ركان المنزلية
فلما السماء
ارض فاباها
هين
عبر الله على كرم
بغير ارض غدايات
من اشغال
كم وصلاح فوائد
الاراك عتق منفسه
ويعبر طبيب وجهه
ان اعلم

ما علیہ صحر کریمتی ؟

الایہ وایکم : لما صح ازوس المذہب :

五

تا بطور شوق و اشتیاق
 و سیه منتظر نشود و این
 حال را در این مثنوی
 اسرار طبعی مبالغت و
 ایں باشد **نیل** در ذریع
 و اشعار و لغت و این
 قرارش دارد و غنای
 و تزیینات و تالیفات
 و کوفت و کوفت

كسبت الله ورجد رزقهم وهو القوي الولي

تأوی بجای نمک **ساحر** غم الجالی و مصیبتی بجهت اشیا
از او باشد مثل است و صفات غیر ذات و لامشاحه
فی عبارت **یک** از آنکه موجب از تمامه می شود

العلي العليم محيط داره بقطر عمود

بنات احدی از وی حکم و صورت عاید کردند چراغ حرج
قدیمی از عاید بر تو در عشر جنتی در ۴۰ کایات تبارت

افل محاسبین و پیرش که سهم نویسی
 ۲۲۰
 و صفات و آثار صامت و صریح در جمله موجودات عالمی

آن فیض است که در طبقات عالیّه حرکت درونی و
اموات میافیه طبیعی و زنده نبات و حیوانهم بان جنبید

جوش در صغیر و خوش اند و مجنونان اشراق خانی
و تشنگان جرد و صلا را ساقی از آن ساغر کاس

لنت مؤمنين و سرور بادۀ ناز و نوش و
مشو اجتم و آواز بلند و محسن

حکومت الایم درینم شعور داند هوش معنی شو

شعری زانسان پر سید فاضل . دماغ دل جنک
خاموشی . که افلاک و عناصر در چرخ کار بند

دریضه پیمان که دارند • موالید و مزاج
چیزی باشد در این کتابخانه • مرکب و مفرد را هر

چیت روا را با جید امیر و رئیس در میان
صورت که هستند که را دقت بندای پرستند

۲۲	۱۶	۸	فتح الزج
۳۱	۵	۷	اصل اول
۲۳	۱۱	۵	اصل ثانی
۴۶	۲۳	۱۱	اصل ثالث
۱۱۹	۲۸۷	۷۱	اصل رابع
۱۷۲۹۶	۲۰۲۴	۲۲۰	اقل زامید
۱۸۴۱۶	۲۲۹۶	۲۸۴	اکثر باحق

[illegible]

کرمین شود و است
معم فطر است
فطر و نصف فطر را در نصف
کرمین کند که هر یک
و در ربع فطر
و در ربع فطر

بسط دایره و رسم
بیضی از این نام تحقیق
در هند و مصر و قزاق و عرب
از خود می بیند

ان خود می بیند

عظم الشا

که عظم الشا

اما در این کتاب که در این کتاب است
از طرف دیگر که در این کتاب است
از طرف دیگر که در این کتاب است
از طرف دیگر که در این کتاب است

در این کتاب
توضیح و تفسیر
و در سطح فاعده می باشد

قوله استخرج وترقوس معلوم السهم

[illegible]

الصفحة ١٨٨

سهم نقدی ۲۰۰ سهم
فردانند و فردا ۴۰ سهم
کرده فانی ۱۶ سهم
و اگر قطره قبول ۱۶ سهم

...

خمش که وتر قوسی که دود و سه شش عمود

باج گستان مع دلاور و دای بره با جاد و در
بهر عشق و دین عشق و خدا مشق زین الارض و فوق السما
سر عشق و زاید برین بدوش این باب را بقا و کشید

جمع اکثرتن فطره و ائمه مقصود و يعطى
و اما در بعضى حواشى اشارت شده كه عيت با كمى

رفع احكام اشتباست و وحدت شيعه بر وحدت طيعه
افضل از عدالت كيريند و وحدت عدل شيعه بر وحدت مصلحت

میں بھاری از اولین محمد و رین
میں بکثرت علی اکبر

بود طبعی و ارادی **سپهر** از چهل علاء صانع صانع و قائل
عزاد و مالک بملوک اما ارادین بحسب فیض لبط بجا

طريقه سلكه **١** فيطرح مع الحدود والذوال وغاثيره
سلكه الحصوله **٢** فيطرح مع الحدود والذوال وغاثيره

وفايشع من طبعه ويحيى جون نيز يسطرعه الاقاله
مشاكلنا وقع على حتما رالمودود

[illegible]

خود چوین

بدری علی عدالت در کار

لا يرون في الدنيا شيئاً

حرکت انسان بر سبب کمال از ما و حال نظر تحت سبب
که در طبقه صادره شیر خوار که به وزارت پس با
فایده الصبر است و اگر اعضا بر سر قاعه در اسباب
بجز اندر دست و قوتش بر بعد از آن تصویر است مملکت
مملکت که به بر و قوت طبقه تحت قاعده است و در
فصل در آن است و آن مواد است و حال آن است
حروف نامیه و از آنکه مردود است و در دلالت کلمات
مختصه است و اولیه یکی در کلمات نامیه را
از آن است و او است و کلمات و مشاعله
بلکه جمله موجودات جوهریه و غیره
محموسه و معقول را و اولیه
الفاظ و کلمات و معنی
که به هر چه که به
بعضی قاعده
از آنکه به
محموسه و معقول را و اولیه
الفاظ و کلمات و معنی
که به هر چه که به
بعضی قاعده

از مبداء اعدا و تا اربعین معدل مبینان

القطار بالنعين وحسنات الأبرار

المقرن خمس حروف نوراني وحقود

اصابع النیالی ضعف مواد برہائی

که قطر کره و درجات نصف شمالی را محیط

[illegible]

بعضی ترکان به بیط کره و مقام آب

باله افريدكار سپهر و آرزو مرزا سوا
که اندیشه خرد هشیار و نظر دینه بیدار در ادراک افزا
انوار بدیع نگار حکمت شمارش اقرار بجوهر افق
و منظر شمس شعری تجلی ذات و درمات
سرمایه افتخار اندو در هوای بیدای ملکوت عظیم و
جبروت قوی عشق حیرت ان سرگرم باد عشق از نایت
ستار سمار و درود نام محمد و روان رکنند کا

اسماء و افعال و صفات الشمس و القمر

خازنه اخبار محمد و آل اطهار و صلوات الله عليهم و
الابصار بر روی ایشان را در احراز سعادت نشاند
و سیله نجات و اعتبار شماره و **مخفی** نماید که بگو
و النجوم مسخرات **خط شعاعی خارج**
منابع متقن و آلات محکم بقدره فطر سلیمه و صفی
نفرن حکماء و اهل و او اخرد در هر قطری از افا
منبسط و منتشر شد **آقا** بعضی بر بعضی شرف و تبار

بصر اگر از سپر عمود بمسقط الحجر گذرد

16

[illegible][illegible]

و قد قامت عمود و ناظر اول و آخر و
 طام است از جمله اسطرلاب و کره و بر کار و بر خط
 که بسیاری از اوضاع فکی از آنها معلوم میگردد و
 چون در معرفت اسطرلاب بسیار متعدد و دریا
 بعد ناظر از مسقط الحجر و عمود مال مال و کعب
 و غیره از بعضی بحث آن بر کار بر کران و در کره
 نسخه متداوله اینها بعضی از اعمال مستطبه از
 آن شریفه مسبق مذکور شد مشکله بر
 و الی اینها بر این پایه در اصول ارتفاع
 اصطلاحات و بعضی از مسائل متفرقه ایشان میشود
 هر جزوی که از منطقه با کره نصف النهار کده
 موضع وی باشد از علائق خروج و قوس واقع بینها
 مرفوع از اقصین باید و اولین که قطره قاعده
 عرض از منطقه و هر جزوی که با او از افق مشرق
 و مغرب طلوع و غروب نماید درجه طلوع و غروب
 بود و هر جزوی که با وی یا با موضع وی نصف النهار
 محسوس و طام فایم و حج سد پس ارتفاع

و قد قامت عمود و ناظر اول و آخر و
 طام است از جمله اسطرلاب و کره و بر کار و بر خط
 که بسیاری از اوضاع فکی از آنها معلوم میگردد و
 چون در معرفت اسطرلاب بسیار متعدد و دریا
 بعد ناظر از مسقط الحجر و عمود مال مال و کعب
 و غیره از بعضی بحث آن بر کار بر کران و در کره
 نسخه متداوله اینها بعضی از اعمال مستطبه از
 آن شریفه مسبق مذکور شد مشکله بر
 و الی اینها بر این پایه در اصول ارتفاع
 اصطلاحات و بعضی از مسائل متفرقه ایشان میشود
 هر جزوی که از منطقه با کره نصف النهار کده
 موضع وی باشد از علائق خروج و قوس واقع بینها
 مرفوع از اقصین باید و اولین که قطره قاعده
 عرض از منطقه و هر جزوی که با او از افق مشرق
 و مغرب طلوع و غروب نماید درجه طلوع و غروب
 بود و هر جزوی که با وی یا با موضع وی نصف النهار
 محسوس و طام فایم و حج سد پس ارتفاع

و قد قامت عمود و ناظر اول و آخر و
 طام است از جمله اسطرلاب و کره و بر کار و بر خط
 که بسیاری از اوضاع فکی از آنها معلوم میگردد و
 چون در معرفت اسطرلاب بسیار متعدد و دریا
 بعد ناظر از مسقط الحجر و عمود مال مال و کعب
 و غیره از بعضی بحث آن بر کار بر کران و در کره
 نسخه متداوله اینها بعضی از اعمال مستطبه از
 آن شریفه مسبق مذکور شد مشکله بر
 و الی اینها بر این پایه در اصول ارتفاع
 اصطلاحات و بعضی از مسائل متفرقه ایشان میشود
 هر جزوی که از منطقه با کره نصف النهار کده
 موضع وی باشد از علائق خروج و قوس واقع بینها
 مرفوع از اقصین باید و اولین که قطره قاعده
 عرض از منطقه و هر جزوی که با او از افق مشرق
 و مغرب طلوع و غروب نماید درجه طلوع و غروب
 بود و هر جزوی که با وی یا با موضع وی نصف النهار
 محسوس و طام فایم و حج سد پس ارتفاع

و قد قامت عمود و ناظر اول و آخر و
 طام است از جمله اسطرلاب و کره و بر کار و بر خط
 که بسیاری از اوضاع فکی از آنها معلوم میگردد و
 چون در معرفت اسطرلاب بسیار متعدد و دریا
 بعد ناظر از مسقط الحجر و عمود مال مال و کعب
 و غیره از بعضی بحث آن بر کار بر کران و در کره
 نسخه متداوله اینها بعضی از اعمال مستطبه از
 آن شریفه مسبق مذکور شد مشکله بر
 و الی اینها بر این پایه در اصول ارتفاع
 اصطلاحات و بعضی از مسائل متفرقه ایشان میشود
 هر جزوی که از منطقه با کره نصف النهار کده
 موضع وی باشد از علائق خروج و قوس واقع بینها
 مرفوع از اقصین باید و اولین که قطره قاعده
 عرض از منطقه و هر جزوی که با او از افق مشرق
 و مغرب طلوع و غروب نماید درجه طلوع و غروب
 بود و هر جزوی که با وی یا با موضع وی نصف النهار
 محسوس و طام فایم و حج سد پس ارتفاع

و قد قامت عمود و ناظر اول و آخر و
 طام است از جمله اسطرلاب و کره و بر کار و بر خط
 که بسیاری از اوضاع فکی از آنها معلوم میگردد و
 چون در معرفت اسطرلاب بسیار متعدد و دریا
 بعد ناظر از مسقط الحجر و عمود مال مال و کعب
 و غیره از بعضی بحث آن بر کار بر کران و در کره
 نسخه متداوله اینها بعضی از اعمال مستطبه از
 آن شریفه مسبق مذکور شد مشکله بر
 و الی اینها بر این پایه در اصول ارتفاع
 اصطلاحات و بعضی از مسائل متفرقه ایشان میشود
 هر جزوی که از منطقه با کره نصف النهار کده
 موضع وی باشد از علائق خروج و قوس واقع بینها
 مرفوع از اقصین باید و اولین که قطره قاعده
 عرض از منطقه و هر جزوی که با او از افق مشرق
 و مغرب طلوع و غروب نماید درجه طلوع و غروب
 بود و هر جزوی که با وی یا با موضع وی نصف النهار
 محسوس و طام فایم و حج سد پس ارتفاع

ناید در استخراج سهم مجهول تیر و کرمان
 رسد درجه عمودی و قوس واقع بینها از مقدار
 و آخره و اقصیه از نصف النهار میان سمت الراشع
 ارتفاعش بعد از سمت الراشع از قوس واقع از نصف
 بر طرف مقصود آید و بی کل شیئی که آید
 میان کوکب یا موضع وی افق اعظم ارتفاعش معلوم
 و هر قطب که اقرب باشد از شمالی جنوبی عرض و طول
 و بعد از نقطه یوم و مظهر را من طول و المیزان مشرق
 مثل علی انه واحد بر حی کالاستوا
 و مغرب اعتدال و در جزو تقاطع نصف النهار
 نقطه جنوب و شمال میان نقاط جهات و اربع جهات
 عالم در حیز استقلال و در عرض تعیین که کره
 اگر با ارتفاع حینین و بقطر عشر مقدرو
 روی کره طلوع و غروب حرکت خاصه کوکب
 محال باشد در نصف دیورات شمس فوق الارض
 بود و غایت ارتفاعش از هر کلی نکند و شمس و دیگر
 نصف لوحی محسوس قاعده کرد و وضعف

و قد قامت عمود و ناظر اول و آخر و
 طام است از جمله اسطرلاب و کره و بر کار و بر خط
 که بسیاری از اوضاع فکی از آنها معلوم میگردد و
 چون در معرفت اسطرلاب بسیار متعدد و دریا
 بعد ناظر از مسقط الحجر و عمود مال مال و کعب
 و غیره از بعضی بحث آن بر کار بر کران و در کره
 نسخه متداوله اینها بعضی از اعمال مستطبه از
 آن شریفه مسبق مذکور شد مشکله بر
 و الی اینها بر این پایه در اصول ارتفاع
 اصطلاحات و بعضی از مسائل متفرقه ایشان میشود
 هر جزوی که از منطقه با کره نصف النهار کده
 موضع وی باشد از علائق خروج و قوس واقع بینها
 مرفوع از اقصین باید و اولین که قطره قاعده
 عرض از منطقه و هر جزوی که با او از افق مشرق
 و مغرب طلوع و غروب نماید درجه طلوع و غروب
 بود و هر جزوی که با وی یا با موضع وی نصف النهار
 محسوس و طام فایم و حج سد پس ارتفاع

۱۹۲۰ برسات مکنت ۸ قمری
 ۱۹۲۰ رادار طالع خاخر ۱۰ زده صحر
 ۱۹۲۰ کسر طول در عرض در عمق جوص ۱۹۲۰
 قاعد

11/66

الحسين بن علي بن ابي طالب
عليه السلام

٧٠

آیات شمه سوره فتح در شان شمع علم نصرت

۱۱۷۷	۱۱۷۸	۱۱۷۹	۱۱۸۰
۱۱۷۱	۱۱۷۲	۱۱۷۳	۱۱۷۴
۱۱۷۵	۱۱۷۶	۱۱۷۷	۱۱۷۸
۱۱۷۹	۱۱۸۰	۱۱۸۱	۱۱۸۲

صفحة اوله واوله

10

31

ولا يخفى عليك بمقايضة العبد في النيار وعنده
الاشارة الحروف قائم بمقام الاعضاء

This image shows a page from a manuscript, likely a religious or historical text, written in Arabic script. The text is densely packed and written in a cursive style. Several words and phrases are highlighted in red ink, including "الله" (Allah) and "محمد" (Muhammad). The script is fluid and elegant, characteristic of classical Arabic calligraphy. The paper appears aged and slightly discolored.

کمال که محصل او بود غیر از چهارده و هجده و سی و
قابل باطل است پس **تقصیل این اجمال** و اظهار این
و آن را در عبارت بطریق اولی و قال محقق هشتاد و نه و
اصحاح و محققان هم زبان ششم و غیر زبان او را در حکایت
سفر و ادعای کرده اند که سواد خان صاحب مکتوب کتوبت و
همچون آنکه از محقق ایشان بر گرفته اند و هر چند از او قدری
متصل اصحاب ایشان باشند از آنکه گفتار و غیره است حرف
از باب غلطی و حق اصحاب و تحقیقات عالم و امکان بعد از او

[illegible]

سورة التين

بِرَحْمِ اَوْلِيَا دَوْلَت قَاهِرَه وَبِعَوْنِ اَعْلِيَا اَحْسِنَا
 اِسْتِغْلَامِ مَقَادِيرِ عَمُوْلَه بَطْرِ مَقَادِيرِ مَعْلُوْمَه عِلْمَه
 نَسَبِ حَاصِلَه بَيْنِ الْعِلْمِ وَالْحَقِّ مَتَبَعِ كَرْدِ وَحَقِّ
 سِتِيحَانِ فِضَائِ مَنَهَائِ دَانِشِ مَنَاقِلِ مَوَاحِلِ اِنْ نَدَه
 بَعْدَ الشَّارِعِ الْوَاضِعِ اِلَى اَحْكَامِ الْاَضْمَانِ الْاُمُورِ الطَّاهِرِ
 كَثْرَتِ الشُّبُهَاتِ بِاجَادَةِ اِي حَقِّفِ عَمُوْدِ اَلْمَدَارِ حَلِ مَرِ
 حَطَا اَنْ كِه حَوْنِ اِنْ حِطَا بِصَوَابِ كَرَامَتِ فَاشْعَه نُوْرِ
 دَرْ ظِلِّ عَقِيمِ دِلِشْ شِعْوَه رَاسِتِ يَدَانِ وَفَتْحِ مَنِيكَاهِ
 اَكْرَا رَضْعَفِ حُرُوِي رُكَانِ حِطَا مِيْنِ كِه بِرِ مَعَاوِلَا
 وَصُوْلَه مَطْلُوْبِيَا مِيْنِ اَسْلُوْبِ اِي جَدِيْقِ اَزَا اَسْبَاغِ
 عَلَيْهِمُ السَّلَامِ مَسْرُوْبِ اِلْمَنَّا تَقْدِيْشِ سَبَا بِرِ قَوَانِيْنِ
 رَسَا اِلَا اَوْ غَاطِيْعَه وَصِيْمِ شُدِه وَحَوْنِ اِيَا سِيْنِ عَمَلِ مِيْمِ
 بَاقِي مَدِ وَخِزِرِ دَكْرِه مَآوِيَا رَا اِلَا اَصُوْلِ ضَرْبِيَه نُوْرِ
 تَنَاقُصِ بِه چَهَارِ عَدَدِ مَتَبَقِ شُدِه بِرِ اَكْرَا سَبْ بِه
 مَرِي وَنَحْوِه مَعْلُوْمِ اَشُدِه رَاسِتِ خَرَا جِ مَحْمُوْلِ حِطَا يِ
 وَاحْتِدَا سَلِ بِرِ جَوِيْدِ اَلْاَحْطَا اِنْ دِه صَوَابِ بِرِ
 مَقَامَاتِ كَحْمِيَه خَوَادِ فَرِيْنِ صَافِدِ لَانِ كِه بِرِ صِفَا هَرِ رَسَا

[A fragment of handwritten Arabic script from a manuscript.]

[illegible]

[illegible]

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, with some red ink used for initials or headings. The text is written on aged, slightly discolored paper.

[illegible]

والمشايك المشي عرض بلد در قسم چهارم از
دیکر و کل عمل علیات کلمه مع
آفاق مایه ضعف شب اعظم وقوس
جبر و مقابله که غایت فکر و فایده نظر است و عظمی که
قدس سرهم و استعلام مجهولان و تحصیل مطلوبات
بامسئله است لهذا اکثر تفکرات و اعم جریانات از سایر طرق
تمام و کلمات متضمنه محتاج بدرگاه
و تصدیق و تعدیل جبر نقصان برابری مقابله مجهول
معلومات نماید چه مراد جبر و مقابله حدفاست و استقامت
که در طرق یاد شده و طرق باشد با فزون شدن مشی و جانب
خاص و عام و او اتم العقل نقص الکلام
و کرامات حقین و کبر و کرم
چون آید اسم و مقبول و در حق
و مشیین افعال قلوب معظم و انات و صحاب

والمشايك المشي عرض بلد در قسم چهارم از
دیکر و کل عمل علیات کلمه مع
آفاق مایه ضعف شب اعظم وقوس
جبر و مقابله که غایت فکر و فایده نظر است و عظمی که
قدس سرهم و استعلام مجهولان و تحصیل مطلوبات
بامسئله است لهذا اکثر تفکرات و اعم جریانات از سایر طرق
تمام و کلمات متضمنه محتاج بدرگاه
و تصدیق و تعدیل جبر نقصان برابری مقابله مجهول
معلومات نماید چه مراد جبر و مقابله حدفاست و استقامت
که در طرق یاد شده و طرق باشد با فزون شدن مشی و جانب
خاص و عام و او اتم العقل نقص الکلام
و کرامات حقین و کبر و کرم
چون آید اسم و مقبول و در حق
و مشیین افعال قلوب معظم و انات و صحاب

والمشايك المشي عرض بلد در قسم چهارم از
دیکر و کل عمل علیات کلمه مع
آفاق مایه ضعف شب اعظم وقوس
جبر و مقابله که غایت فکر و فایده نظر است و عظمی که
قدس سرهم و استعلام مجهولان و تحصیل مطلوبات
بامسئله است لهذا اکثر تفکرات و اعم جریانات از سایر طرق
تمام و کلمات متضمنه محتاج بدرگاه
و تصدیق و تعدیل جبر نقصان برابری مقابله مجهول
معلومات نماید چه مراد جبر و مقابله حدفاست و استقامت
که در طرق یاد شده و طرق باشد با فزون شدن مشی و جانب
خاص و عام و او اتم العقل نقص الکلام
و کرامات حقین و کبر و کرم
چون آید اسم و مقبول و در حق
و مشیین افعال قلوب معظم و انات و صحاب



الکتابه انما یسعه من غیره
انما یسعه بالاختیار اذا کان تحت قی القسط
و یسعه بالاختیار فاذا کان تحت قی القسط
و یسعه بالاختیار فاذا کان تحت قی القسط
و یسعه بالاختیار فاذا کان تحت قی القسط

الیهین اینه قرأ شروط کلیه اختیارات
بسیار و قرات شرح و در هر
و کبر و دافع و این کلمه
و اندر هیدی من شیاری طریق النجات
کلمه و مره بطریق استیصال امرای و عیشین قرأ انما یسعه
البحیره و الیهین فان محب علم اکثره مع 2 عالم لکون الفساد
مطلع البعیدین و اودی امین معیا و یوم
و دیگر اسقاط مشترک بین الاثنین تا همدی می شود دیگر
کرد و کتب استخراج نظریات و حدیث صاحبان که در حدیث
اندیشه و ذکا و هنر از عطای سایر استقل کرد و بحقیقت
الترنج قبل و بعد اجتماع سیرین و شمس المشرقین
و اینست سؤالات اندک مضابطه کدام یک از مسایله است
مطلوب متیست و حدیث اساس این اقتباس از اركان باشد
عده و اشیا و اموال مستثنی گردیده و از مقابله و مقارنه
مجمع النورین منشا کمین ارادی عین
کن

والمشايك المشي عرض بلد در قسم چهارم از
دیکر و کل عمل علیات کلمه مع
آفاق مایه ضعف شب اعظم وقوس
جبر و مقابله که غایت فکر و فایده نظر است و عظمی که
قدس سرهم و استعلام مجهولان و تحصیل مطلوبات
بامسئله است لهذا اکثر تفکرات و اعم جریانات از سایر طرق
تمام و کلمات متضمنه محتاج بدرگاه
و تصدیق و تعدیل جبر نقصان برابری مقابله مجهول
معلومات نماید چه مراد جبر و مقابله حدفاست و استقامت
که در طرق یاد شده و طرق باشد با فزون شدن مشی و جانب
خاص و عام و او اتم العقل نقص الکلام
و کرامات حقین و کبر و کرم
چون آید اسم و مقبول و در حق
و مشیین افعال قلوب معظم و انات و صحاب

والمشايك المشي عرض بلد در قسم چهارم از
دیکر و کل عمل علیات کلمه مع
آفاق مایه ضعف شب اعظم وقوس
جبر و مقابله که غایت فکر و فایده نظر است و عظمی که
قدس سرهم و استعلام مجهولان و تحصیل مطلوبات
بامسئله است لهذا اکثر تفکرات و اعم جریانات از سایر طرق
تمام و کلمات متضمنه محتاج بدرگاه
و تصدیق و تعدیل جبر نقصان برابری مقابله مجهول
معلومات نماید چه مراد جبر و مقابله حدفاست و استقامت
که در طرق یاد شده و طرق باشد با فزون شدن مشی و جانب
خاص و عام و او اتم العقل نقص الکلام
و کرامات حقین و کبر و کرم
چون آید اسم و مقبول و در حق
و مشیین افعال قلوب معظم و انات و صحاب

مثال مغیره اولی که معادل باشیا عمادید عذر و
باشیا قسمت نمایند که خارج و حاصل قسم و نسبت مقدار
شی میمور باشد ای عددی بعد از مع مطلع خبر فی
افراد متفرقه از بلاد ایران از السیاطنه
احد

[illegible]

己

18

بالاستعاذه والتحميد والتسبيح والتكبير والثناء
والاحتجاب الأعنص والمداية من الله الملائكة

صلاح الايمان في حفظ اللسان على

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some minor discoloration and small dark spots, possibly due to age or handling. A vertical crease is visible near the right edge, and the overall tone is a warm, off-white or light beige.

ان

طریق سنجیدگی ۲۴۵ بروج نقدش ۱۴ زده از اسطرلاب ۳۶ خند ۱۶ قدم در هر مقله ۱۱۱۱

[illegible]

حيدري يا وكار ذو الفقار وروى العجرب على
 والرحمة في آياتها الاستعادة في آياتها يكون
 الكمال والحقن يلزم القراءة بأحد السبع المتواترة
 المرحص لا يجوز بالشاذ الأولى المتواترة
 الصدر را ما خذ سيار وروى الأوزار
 ما هو عندك عندها يستحب أن يكون القراءة
 في مكان نظيف طيب وإذا أراد الشروع في القراءة
 استعاذ وقيل عند الحتم والتجمع لحظ في
 الذم والاستغفار النوار امار محمرو
 المحافظة على قراءة بسم الله الرحمن الرحيم في
 كل سورة أو الصلاة وإذا شاع في القراءة فليكن
 شأنه الخشوع والخشوع والتأني وترك المسامحة
 زكل اسباع نورته رخشان وفيها
 والمجمل والمحافظة على الرواية والتأمل أن
 على الدراية وقال بعضهم الاختيار أن
 على ترتيب المعصية ولا تغير الترتيب إلا في القلة
 من المثالي وعينان مضاحت

The image shows two tables of numbers in Arabic script, likely representing the 1000s and 100s tables from the Lindisfarne Gospels. Each table is a 5x3 grid of numbers, with a decorative arch at the top containing text in Arabic script. The numbers are written in red and black ink on a yellow background.

Table 1 (Left):

١	٢	٣
٤	٥	٦
٧	٨	٩
١٠	١١	١٢
١٣	١٤	١٥
١٦	١٧	١٨
١٩	٢٠	٢١
٢٢	٢٣	٢٤
٢٥	٢٦	٢٧

Table 2 (Right):

٢٨	٢٩	٣٠
٣١	٣٢	٣٣
٣٤	٣٥	٣٦
٣٧	٣٨	٣٩
٤٠	٤١	٤٢
٤٣	٤٤	٤٥
٤٦	٤٧	٤٨
٤٩	٥٠	٥١
٥٢	٥٣	٥٤

هو
في انكشاف حال الكبر
والغيب **و** الزوابع من موت
او تصليح او من موت صاحب
نحو الامم البلب **و** في صاحب
المعارف لو اطلعت على نفيت
تكونون علم مخزون لا
تستطيعون الا المطهر

ذات عين الحجة كافي مهمات والباقي انصا
 ولا غيرها فاذا قرأ في ركعة التوبة لا يقرأ
 فليقرأ في ركعته بعدها الفاتحة واوائل التوبة
 القراءة من المصحف افضل **فقد جعل الله**
 على ما وجدنا في لوح الحجة والمهمات مبشرات
 في المصحف عبادة لا بأس بها الصبر
 باعتدال ولقد اتفق العلماء على الامر بالجود
 التلوة اخلاف هل من **امرو**
 نجات اطلات طبيعتها وطلت الاجتبابات
 او استحقاق والاكثر من قديرا الاستحقاق
 او الاستحقاق ويجوز في الصلوة واكثرهم
 الحسن والقبح رعاه للشرع من العقلية وهداية
 علمان التجذبات اربع عشرة والاكثرى اوجوا
 الطمان في سجدة التلوة كذا الاستقبال
 عن الشرعيات مضروب ربا عي **در** خمس عشر

في الدنيا والاهل من التي خلاف اصحابنا في الارواح العار
 عنه بالصدق ثم يتبع يوم القيامة في الاجسام كما كان
 التي تنزل الان فيه فيها في النور وكذلك هو المثل وهو العار
 الدنيا فاذا اتكل البزخ دبت اجساد البزخية وهو العار
 والقرن وحفظها الله تعالى في تلك الطبيعة الكسنة وانفرد
 فاذا فارقت الاربع تروى في ايامها الكسنة من البزخ والظلم
 الماء اذا كان في الاربعية فيه من عالة اما في لونه او في طعم
 من التلح الكلى قال طائفة من الكتبة في البزخ والظلم
 من التلح الكلى قال طائفة من الكتبة في البزخ والظلم
 من التلح الكلى قال طائفة من الكتبة في البزخ والظلم

نشید و اقل بر اکثر مشی گردید از بعد متداخله
فرو سخت در ^{۱۴} ^{۸۴} ^۷ متقدم و تا خورد و باقی
هم بر این نواله مذاغم مقولین شمرند و وضع یعنی
قیات حاصله موضوع را نسبت بهی که اجزاء او را
متناسبه هندسیه را درجه ارتفاع از قضا
با هم و اجزای عالم افتد مانند قیام و مقود متسا
مراد بقیام نه حاله نفوذ ^{۱۵} ^{۸۵} ^۸ هیات مستقره
با شتاب پیدا بقیام لغوی اشتراکا نموده معنی سزا
جبل نمایان و از واج ثلثه بنظام طبیعی
ضدیت مانند ضعف و شدت بر این مقوله هم ردوا
و امر و متی یعنی نسبت ممکن بمکان ^{۱۶} ^{۸۶} ^۹ شری
زمان و شرکت کثیریت آن و زمان بر خلاف
متناسبه متصله عددیه و هر دو با هم
مکان بر بخردان عیان ^{۱۷} ^{۸۷} ^{۱۰} ملک و جلد مانند علم
و مال و جماعت و جمال فرد متقدمان و باعتبار
انکه فرد متاخران میانیست حاصل جسم را
متداخلان و الاحسان بقطع اللسان ^{۱۸} ^{۸۸} ^{۱۱}

[illegible][illegible]

سا و سه و ثابته با مضروب رابعه در باقیه
به نسبت با مضروب محیطی یا ثابته مستقر در
اشکال **ثلثی** **مربع** و **مقتض** و **تربیع** آنها را مثال
در **مربع** و **مربع** است تأثیر و آثار غیره
سم در فن تألیف متناسبه و بقوت معجون
الثبات محقق قطع و احراق و تقطیع و احتراق
و **جود** فعل و افعال را بحسب اشتقاق از حرکت
اعتبار کنند بحریک و حرکت نمایند و **حرکت** را
اجزای **خارجه** و **دور** باز و **دور** و **خپاره** در
در چهار مقوله جاری اند **مثلاً** **مخلوط** و **تکافت**
در **کرم** **نخین** و **تاید** در **نقل** و **تغییر**
باضمه و **بطل** **تری** **لحم** **من** **باقیه** **مضروب**
این واداره چرخ مستدیر و چرخه در واقع در
چهار خروج دفعی منقسم بکون و مشاد از اختلاف
جهات حرکات و بقوله سرعت و بطرد و بقوله آخر
قابل شدت و ضعف ضیاء
النصف در سطح **کمس** **النفس** **اعظم**

افرايد و از خواص اين شربت ۷۴ و ۷۵
تجميع طرفين از عدد ۲۲۴ مساوي نصف
سطح ششين بود و كنيدي
سازي ششها از نظر
خامه بيشتر
اوارده

11

قدس درجات ذات البروج ارمختات

و جمعیت و لها ی پریشان زلف ظلت اندو

بفرغ حسن جهان نور عالم افزو نه در خداج

از معدومات بوجوب وجود و علم دان

و حیو هسته خود نیست فاعل خفیف متحرک

لا ادر متحرک لا لعل و لا ازواج الی التلذذ

Handwritten marginal notes in Persian script, including commentary on the main text and additional philosophical or scientific observations.

Handwritten marginal notes in Persian script, continuing the commentary and providing further context or examples related to the main text.

قیام و اعیان با قیه مواد امکانی روی

مث شعب مظلم تقیل منفعل مستحکم

و کل من علیها فان و یبقی وجه ربک

ذو الجلال و الاکرام پر دکان تنق سرافقا

حریم و حد سرای میت المعمور عینی کرد

Handwritten marginal notes in Persian script, providing commentary on the main text.

Extensive handwritten marginal notes in Persian script on the left side of the page, covering a wide range of topics related to the main text.

بر سر بون جویان بکار
 تا شکر زینت آینه
 رطلی خوش آید
 نیکو کاران خوش
 نمودار فضل برادران
لبنا فی انزلو
 آمدن اکو هست در میان
 روز دانش شب با دل
 حسین طهری که پیش
 زود روز چرخنده
 کجی شکر آرد شاد

[illegible]

مقدمه الطهر بودن اقرب اسیرج در آن
تقریب باید خاصه که معارضت در آخر شب و بعد از نماز
دو در یک طه و مسطه کشاید و وسط سینه آن مقام
با متراج ضلین از اجزای تمام عام آشفته نماید و قد علمت

مسارل مختار ارباب تزوج و شرکت
[و] کل ما کالو امر الجوه والکله وان کل لا یسلا الظن الغالب
[و] کل ان اضم بعضها بعضا و کل ما یسلا الا و اصاد
البها با کثیر من الخیر الا قدم والهدی الا طریقیه

سفر بحر و تجارت و حدوث قوس فتح
الایم علی هذا التوجه والتعین قام الاعتقاد مقام الخیر
و از اربعه ساقطه [و] نظریه آن طالع و اندام
را بر مقابلش شرف و ذنب بود و چون در مقابلت فکری

عربی و شمسی و رعد و سماوی و شتر
تصادق است و فرقانی طالع صاعده شمالی می
نهای بهاری موقع سمت الراسی با نظریه خانی غاری طالع
جنوبی بسیاری خیر می خففت سمت القدری و تاثر می
علی الولاد در انحصار دلیل و فور نعمت و

و اما
[و] کل ما کالو امر الجوه والکله وان کل لا یسلا الظن الغالب
[و] کل ان اضم بعضها بعضا و کل ما یسلا الا و اصاد
البها با کثیر من الخیر الا قدم والهدی الا طریقیه

و اما دی ملکوت و تا کید الموده فی الحکمت
چند شرف نماید مقابل ترا بهر طریقی که میسر آید
و صورتی که در جبهات اربعه عشرين الشرفین و عشرين
من الموطین دانند و تقریب تیرین را در آغاز تحت السحاب و

منظره الاله اربعه موالیه جمال خوبان
درجه باید عدد و ایام التقوی و جات سیار ترا که قاطع
معینه از محلات مذ و مضارب مستطرا از اعمال و اوقات
تقریب در هر وقت که سال میسر یکنه حرکت نمایند و

سبزه و ریحان صحیفه و قران جواهر
خبر دهند و از در سبزین و از در سبزین و از در سبزین
وار در جزا و از آن مدبر در در سبزین و از در سبزین
در اجتماع و استقبال با و ج نسبت در سبزین

و حسان فانی الاء ریجاکم زبان انصا
و الله علی الناس الیک الشک و المیسر
چشم مبارک و ال سبزه و از آن مدبر در در سبزین و از در سبزین
مدلوات لوالی سفینه مسیح با مربع فتح

و اما دی ملکوت و تا کید الموده فی الحکمت
چند شرف نماید مقابل ترا بهر طریقی که میسر آید
و صورتی که در جبهات اربعه عشرين الشرفین و عشرين
من الموطین دانند و تقریب تیرین را در آغاز تحت السحاب و

۸۴

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي خلق السموات والارض
والذي خلق الانسان من نوره
والذي خلق السموات والارض
والذي خلق الانسان من نوره
والذي خلق السموات والارض
والذي خلق الانسان من نوره

مکن شاد بیل بارش و پرما و در صیف
وایش از ابرکات کئی و جزیه و بقدر خجالت او پیش
تیره و در عالم سخی است بسیار است از ثواب
سختن کرما و اعتدال هوا و معیار
از آب اسیر و نوسل و آب اسیر و نوسل
سوارین القطار کان اربعه صنعت خاصه عظمی
توسیع کوه و بوی عبادات با هم و رسم بر یک و یکی
و مدعی روزی و سیاحتی و ساد و ماهی طالع کرمش
قدما انسیا و حکما و لکن القناعه کثرت لایه
سرد و در و در و در و در و در و در و در و در
و در و در و در و در و در و در و در و در
سجیده رشته سیمه تو این الفاظ و الی

و اما در این کتاب
و اما در این کتاب
و اما در این کتاب
و اما در این کتاب
و اما در این کتاب
و اما در این کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي خلق السموات والارض
والذي خلق الانسان من نوره
والذي خلق السموات والارض
والذي خلق الانسان من نوره
والذي خلق السموات والارض
والذي خلق الانسان من نوره

اصولین و اختصاص از انواع از ایام شهر
از عبادات و امور دنیوی و دینی و دینی و دینی
ایغور بهمان طور و دست و کف یا و سطح
و سرین و طوبی للرحل الذی لم یستع
و اما در این کتاب
و اما در این کتاب
و اما در این کتاب
و اما در این کتاب
و اما در این کتاب
و اما در این کتاب

و اما در این کتاب
و اما در این کتاب
و اما در این کتاب
و اما در این کتاب
و اما در این کتاب
و اما در این کتاب

در معنی و در حکم عباد عالم
عالم ملک علو و عظمی
عبارت از عباد عالم
مقصود از عباد عالم

[illegible]

سند و الا -

تصویر و تحریف

الحمد لله رب العالمين وحملهم أسفول وجعلهم الصلوة
 قالت لا تحط غفوان كتاب فضيل الخط محمدية
 العيون والولاء انك لا واصحابك والاصحاب
 فاضلهم رستا في كتاب المجلد الحادي عشر ط
 اقل الصاية والجرية حنفا غير دور ورسالة في يد
 كسبه بجعل الراسخاء في يد كسبه اوضاع هياكل
 صعبه معلوم قلندش قال في اللغة صا الترتيب
 اذا مال وزاغ وكذا اذا اعثر وعثرى وم الذي مضى

ان الله لما جعلنا منكم
 العباد انما جعلناكم
 في الفسوق الكافرين
 الا الذين امنوا وعملوا
 الصالحات اولئك هم
 الصالحون
 ان الله لما جعلنا
 منكم العباد انما
 جعلناكم في الفسوق
 الكافرين الا الذين
 امنوا وعملوا الصالحات
 اولئك هم الصالحون
 ان الله لما جعلنا
 منكم العباد انما
 جعلناكم في الفسوق
 الكافرين الا الذين
 امنوا وعملوا الصالحات
 اولئك هم الصالحون

متقنة مرمومة وحسن مختلف اللون والأشكال متقنيا
والرج **فما** هو مبدع لا من شيء كمن يكون كخبر من
شيء مع انه المبدع المخرج الشئ من العدم فالحكمة
وهي الصفة التي هي الصفة فالألام كغيرها

شون ومن تبا وحي ما به فهو خبون سيم بساط
الغذاء والحاج الى الاذواج المضطرب رفقاً الى رجة
المستغنى والشع والفض الناشان من المحرم لامل
ومن الحكيم وحيد من كان الى الهممة والتسعة

قضايا ما هي موجهة سابقا في الاصلين كتابات واهل
على الحق للظهور عن لسان التاريخ الحيوانية فانهم
اشخاص انسانية لطيفة عذوبة وعلومهم بظرفية مكتبة
ليستحون اللسان والاهل بلا فخر

فما ليحقيقوا بهم قيل قرآن سيرين كمال معنوي وجمال
كشفه من عليه وعلومهم حريته انهم له كسبه
لحقهم الكلال والملاال والعالم ان مغالاة الشبه

در فاتیحه فاتحه و بیسی کرار سوره بار که مفسر جمعش

[illegible]

ازايات باهرات ولا تسيل في العلم والمعلولا
 وراكنها وعلما وكنات لهم في التصرف بالمال
 من جنس القوي المزاجه حتى يرضيها اللغوي القوي
 في الزاوية التي تقو له وهو القوي بذلك

الحمد الى عمر النهاية بدلائل المعقولات والمنقولات
التي هي منسوبة فاصف علم من قوى السماوية وقوى
الارضية ذلك استندت فوق الرياح وعروج الغمام
ونزول الأمطار وقوم الزلازل اسباب حيزه لكن

فيسد كنهاته الاخر الى اسباب عن جهة اخرى وبقية
 نصف مذكرها كل قديمه نصف موت احكاميه واعوام
 مقصورة على النظام والقوام والتمام فلهذا يادى و
 اسباب اوله والى ادى كثر في ذاتها واسبق وجودا
 واعلا منه من الوجودات سبطا وازالته

قائمة وروايات اسباط ودرقضا حاجات
 عالمها عالم المعاد والمعاد كما قال المفسر منها والمعاد
 اليها المصدر عنها والمرجع اليها **شفا** قالوا طرقتنا في القبر
 لاحضرت القدر ظاهرها **شفا** معقول فان قدسنا بالحق

ووضع لمات مهر بعد از سپهر از دعوات و وحده

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some minor discoloration and small dark spots, characteristic of old paper. A prominent vertical crease runs down the center of the page. The left edge shows the binding of the book, with visible stitching and the inner cover material. The overall tone is warm and yellowish-cream.

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

الاقدار من طاع علي بن ابي طالب
 نبي الهدى من طاع علي بن ابي طالب
 وعقابه وقد عدوا من طاع علي بن ابي طالب
 بقدر استحقاقه ثم ينقطع في النفس من اوجاعه بحسب
 في التوبة التي من المذنبات وما لا يريد من ذنوبه فان
 من الكامل في كل عفو فان ازال الغيث ودفن اوقات من
 في اوجاعه من طاع علي بن ابي طالب
 الا واما ما يحجب قصد وذهبه ما يصلح به العالم ويكفي
 النبات والحيوان ويكون قصد واحد وشهوات الطاهر
 به عام في كل شيء من طاع علي بن ابي طالب
 عقابه في كل شيء من طاع علي بن ابي طالب
 عن ذي الخلق في كل شيء من طاع علي بن ابي طالب
 اختارته في كل شيء من طاع علي بن ابي طالب
 الرشح الشاهد في كل شيء من طاع علي بن ابي طالب

... إلى المطاف ...
 ... طلب الشيا ...
 ... الفريضة ...
 ... الطائ ...
 ... من الصلوة ...
 ... الطالع ...
 ... عند الفجر ...
 ... في وقت ...
 ... من الغروب ...
 ... في وقت ...
 ... من الغروب ...
 ... في وقت ...
 ... من الغروب ...

[illegible]

علاء بن محمد و م

الروايات كلها انما هي في الاصل ان الاعراب في التاني
الضاد والظن الساجدين والاولا
فقد دخلت في رعايته واما
سلك الخلق واما
طبيعتهم واما

مصنف

الانبياء وادبهم

41



وَمِنْ سِرَارِ دَهْشَتِ الْمَلِكِ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ
وَفَاتِحِ سِتِّهِ^٤ أَوَّلِيهِ أَرْحُوفُ وَضَعِيهِ
سَبْعَةُ الرِّضْوَانِ^٥ وَدُعُوتِ سَلَاطِينِ حَبَشٍ
وَأَثَانِيَةِ عَهْدِ مَوَاحِشَاتِ وَتَعْيِينِ وَتَرْتِيبِ
صَلَوَاتِ خَاتِمَةِ أَدَابِي نَمَازِ خَوْفِ وَخَرَجِ^٦

[illegible]

بنی خنیز و ما قبلش فتح مکہ و عرا
حسین و فصل لیلہ الجاہلین علیہ السلام
ربیع اقام عسم فقہ و شر و ط کل و ا
از رضاء و طلاق و ربیع شر و ط
کھن مرکب از دمنه و بیع سلف و اعکا

الفقه على أربعة أقسام اعباداً وعقوداً وأيقاعاتاً
 وأحكاماً ووجه الفهرس ان المبحر شعث في الفقه اتمان
 يتعلل بالامر الاخروية والدينية فالاول هو العبادات و
 اما الثاني ففلاح اتمان يقتصر للعبادات الا ان كان يقتصر
 فهو الاحكام كالديات والقصاص والمواريث **والثالث**
 فاما من طرفين ومن طرف واحد فالثاني هو الايقاعات
 كالطلاق والعتق الايمان ان كان الاول هو العقود
 ويتخلفه للعاملات والتكاح وتلما كان **الاعمال**
 هذه الاقسام كان مقتفا على غيره

[illegible]



وان كنت تطلب رتبة الاشرف فاعليك

بالاحسان والانصاف واذا اعتدي عليك

احد فخذ الدهر هوله مكاف بمكاف

بارتفاع رايه خسروى انوار اما رتاج

مرصع بكار شهباز كاكامكار مانند بروج شهباز

Handwritten marginal notes in Arabic script, including a large section on the right side of the page.

Handwritten marginal notes in Arabic script at the bottom of the right page.

Handwritten marginal notes in Arabic script at the top of the left page.

پراختر روشنى بخش چشم اهل نظر و تقیاس

منا و مفاد و تفصیلى که اشان باها رجعت و باها

از نص و خبر از اجتماع با و بر سپر یعنی قیام

اصناف نباتات و حیوانات است **تجلیات**

صفت فعال در قلب صدر مذکر علت تحریر

بعضی اجاج و بعضی آسن و بعضی غیر

حمر افلا سمع و یصبر من خلق السمیع

فق البصر و به بصیر جام جم و زهر و زهر

Handwritten marginal notes in Arabic script on the left side of the left page.

Handwritten marginal notes in Arabic script at the bottom of the left page.

Handwritten marginal notes in Arabic script at the bottom of the left page.

فليس هم باهم لا يصرون لا يسمعون الا ان
والاصوات ولا يهتدون من العباد بل من عباده
انهم لا يتكلمون في حقيقة الوجود وكيفية الوجود
وامر العباد بطول ظاهر من حقيقة الدنيا وهم عن
الآخر غافلون فثبت ان العلم فيه الشك
كان للارادته بعد من العلم الامر بغير
شك لا الذي ليس له الا الشك حال وقوعه
من رجا الحيرة وخوف الحيات فاعلم ان العلم لا يورث
الامر بغير العلم فهو واقف حار من رجا الشك
وحقيقة الفهم فليس من العلم الا الشك **فكان**
العلم بانسان بايديا من عرض الدنيا لصلوات
لهذا الغافى ويا ايها الذين يعلمون خلاص
الفهم في الجاهل بان علمه لا يتغير **فكان**
العلم بانسان بايديا من عرض الدنيا لصلوات
لهذا الغافى ويا ايها الذين يعلمون خلاص
الفهم في الجاهل بان علمه لا يتغير **فكان**

عشر حشرى **وتبع** **ثلاث حشرى** **وه** **ومن**
فوام الحق فوام الحق بالحق والحق انما يكون من
الثبات والحق ان يكون الحق من حق
تقدير الحق بالحق والحق ان يكون الحق من حق
كان بعد كان بعد له نصاب **باب** **مبدأ**
الشرعيات على السائر في جميع الصفات **فكان**
بما لا يسار له **فكان** ان الحق لا ينكشف بغير
الشرعيات ينكشف من العقل **فكان** **السلطان**
وام **كتاب** **وخطاب** **ولو** **الالالباب**
بما لا يسار له **فكان** ان الحق لا ينكشف بغير
الشرعيات ينكشف من العقل **فكان** **السلطان**
وام **كتاب** **وخطاب** **ولو** **الالالباب**

هو **هو** **ما** **للرب** **ورب** **الارباب** **و**
وكذلك الحق بسلطة من السلطان والحق في
افاضة اثره في هذا وغيره **فكان** **فكان**
عزما ان الحق لا ينكشف بغير العقل **فكان**
باعث **تصدع** **اجاب** **در** **اطناب** **ان**

لوان الدرر المضمونة
في كشف افوار المكنونة

فليس هو الا انما كان
الامر بانسان بايديا من عرض الدنيا لصلوات
لهذا الغافى ويا ايها الذين يعلمون خلاص
الفهم في الجاهل بان علمه لا يتغير **فكان**
العلم بانسان بايديا من عرض الدنيا لصلوات
لهذا الغافى ويا ايها الذين يعلمون خلاص
الفهم في الجاهل بان علمه لا يتغير **فكان**

فليس هم باهم لا يصرون لا يسمعون الا ان
والاصوات ولا يهتدون من العباد بل من عباده
انهم لا يتكلمون في حقيقة الوجود وكيفية الوجود
وامر العباد بطول ظاهر من حقيقة الدنيا وهم عن
الآخر غافلون فثبت ان العلم فيه الشك
كان للارادته بعد من العلم الامر بغير
شك لا الذي ليس له الا الشك حال وقوعه
من رجا الحيرة وخوف الحيات فاعلم ان العلم لا يورث
الامر بغير العلم فهو واقف حار من رجا الشك
وحقيقة الفهم فليس من العلم الا الشك **فكان**
العلم بانسان بايديا من عرض الدنيا لصلوات
لهذا الغافى ويا ايها الذين يعلمون خلاص
الفهم في الجاهل بان علمه لا يتغير **فكان**

ابواب **يوم** **يقوم** **احساب** **لغير** **حساب** **كتاب**
وكيف يعلمون انهم لا يصرون لا يسمعون الا ان
والاصوات ولا يهتدون من العباد بل من عباده
انهم لا يتكلمون في حقيقة الوجود وكيفية الوجود
وامر العباد بطول ظاهر من حقيقة الدنيا وهم عن
الآخر غافلون فثبت ان العلم فيه الشك
كان للارادته بعد من العلم الامر بغير
شك لا الذي ليس له الا الشك حال وقوعه
من رجا الحيرة وخوف الحيات فاعلم ان العلم لا يورث
الامر بغير العلم فهو واقف حار من رجا الشك
وحقيقة الفهم فليس من العلم الا الشك **فكان**
العلم بانسان بايديا من عرض الدنيا لصلوات
لهذا الغافى ويا ايها الذين يعلمون خلاص
الفهم في الجاهل بان علمه لا يتغير **فكان**

هو **هو** **ما** **للرب** **ورب** **الارباب** **و**
وكذلك الحق بسلطة من السلطان والحق في
افاضة اثره في هذا وغيره **فكان** **فكان**
عزما ان الحق لا ينكشف بغير العقل **فكان**
باعث **تصدع** **اجاب** **در** **اطناب** **ان**

فليس هو الا انما كان
الامر بانسان بايديا من عرض الدنيا لصلوات
لهذا الغافى ويا ايها الذين يعلمون خلاص
الفهم في الجاهل بان علمه لا يتغير **فكان**
العلم بانسان بايديا من عرض الدنيا لصلوات
لهذا الغافى ويا ايها الذين يعلمون خلاص
الفهم في الجاهل بان علمه لا يتغير **فكان**

فليس هم باهم لا يصرون لا يسمعون الا ان
والاصوات ولا يهتدون من العباد بل من عباده
انهم لا يتكلمون في حقيقة الوجود وكيفية الوجود
وامر العباد بطول ظاهر من حقيقة الدنيا وهم عن
الآخر غافلون فثبت ان العلم فيه الشك
كان للارادته بعد من العلم الامر بغير
شك لا الذي ليس له الا الشك حال وقوعه
من رجا الحيرة وخوف الحيات فاعلم ان العلم لا يورث
الامر بغير العلم فهو واقف حار من رجا الشك
وحقيقة الفهم فليس من العلم الا الشك **فكان**
العلم بانسان بايديا من عرض الدنيا لصلوات
لهذا الغافى ويا ايها الذين يعلمون خلاص
الفهم في الجاهل بان علمه لا يتغير **فكان**

والتصديق لله بدينه وانما ذلك

توسو جو بهيات بهيات

في تلك الغير فلا يتصور منه ثقل الظلم بل ان قيل
ما يشاء فليس كل الاية كالعقل ولا يستقل بالا
بكنهه ولا يشاء مثله محال لا في نفسه عرفت
ما بعد ما فات وما قرب ما يات

كليات وجزئيات حمله اسرار ربنا
شك انك اذا فارقت الحسنة بآيات المحدث
بقت امانته مسرعة بمعرفته التي هي المقصد
الاقصى من عبادة لولم يرض عيل السموات والارض

براتب حالات واختلاف مقامات
سعدته بالحب المانع القاطع حين
وقد عرفت ان المقصود
بالذكر الفكر الاعراض عن الغير وب
وروي ما عاكه از بهرات با قدم واعظم

والتصديق لله بدينه وانما ذلك
في تلك الغير فلا يتصور منه ثقل الظلم بل ان قيل
ما يشاء فليس كل الاية كالعقل ولا يستقل بالا
بكنهه ولا يشاء مثله محال لا في نفسه عرفت
ما بعد ما فات وما قرب ما يات
كليات وجزئيات حمله اسرار ربنا
شك انك اذا فارقت الحسنة بآيات المحدث
بقت امانته مسرعة بمعرفته التي هي المقصد
الاقصى من عبادة لولم يرض عيل السموات والارض
براتب حالات واختلاف مقامات
سعدته بالحب المانع القاطع حين
وقد عرفت ان المقصود
بالذكر الفكر الاعراض عن الغير وب
وروي ما عاكه از بهرات با قدم واعظم

فتوحات وعسى ان لا يحبسني مني من

المرض المانع عن معرفة الله الا ما على السموات والارض
على المخرقات وان العرفيات في كسرة الشهات
والفتيلات الفاظ وحيات ناشية من الوجود
يريم الله اعمالهم خسرات ورجه ربي

ارتفاع قطر اعظم محيط اربعين
والا بناء نوما وقطة وان افعال الله اما بواسطة
واسطة والقريب من الرباط المختلف من المقرب
المعبرون بالملايك وان كل ما يتولد لا يتولد
يتولد اصلا وكما انا خلقت الانسان من نطفة

بمقطره سين وعده شين وشارحني
بغض ان التوالدي وقوله تعالى خلقنا من نرا
بني تولد وقد تولد العقارب من البادروج و
لأب الحية والخل من العسل المخلق المتكسر عظامه
تعلبات خلقه ما كوين وتصوير حسين با حسن

والتصديق لله بدينه وانما ذلك
في تلك الغير فلا يتصور منه ثقل الظلم بل ان قيل
ما يشاء فليس كل الاية كالعقل ولا يستقل بالا
بكنهه ولا يشاء مثله محال لا في نفسه عرفت
ما بعد ما فات وما قرب ما يات
كليات وجزئيات حمله اسرار ربنا
شك انك اذا فارقت الحسنة بآيات المحدث
بقت امانته مسرعة بمعرفته التي هي المقصد
الاقصى من عبادة لولم يرض عيل السموات والارض
براتب حالات واختلاف مقامات
سعدته بالحب المانع القاطع حين
وقد عرفت ان المقصود
بالذكر الفكر الاعراض عن الغير وب
وروي ما عاكه از بهرات با قدم واعظم



الاشرف حتى انتهى الى الانسان وهو بركاء نفسه
يرجع الى ربه راضيه مرضيه وقد وقع الاختيار
بين الملك والملك والشيطان لكن لا يفرق بين
اختلاف الاقوال كالفرق بين الانسان والحيوان
او بالاعراض كالفرق بين الانسان والحيوان
الفرق بين الانسان والحيوان لا يفرق بين
منها جوهر واحد لا يفرق بين
واما هذا فانه لا يفرق بين
تغير الكلام على سبيل المثال كقولنا
اي جسد لا يفرق بين الانسان والحيوان
الخاص به وهو الانسان

فتبارك الله احسن الخالقين حدود وادوات
جوابه ان ما شئت من الاشياء
المبارك بما به يحدث انيات الاشياء وصورها غير
يحدث بعض الصور غير توطئة وبعضها بتوطئة وانما يحدث
مسلمات هو انية ومارية وائتس اول حاد
من لانه هو الشرح الكائن بالفعل قابل هو الفعل النفس فادرك
فانما ينظر لاداة واحداث يصدر عنه وفرة واحدة
وور استخراج اسوله ازهر مقوله كه خواهند
ليس من جازمه شرا لا اعط ولا اؤنه عنه العقل
اذا اراد فعلا فانما ينظر لاداة الاول كان النفس اذ
مث اجزاي حرفة ليهان قدر نتاج
نفس فانما ينظر للعقل فالفعل قلبا **مستطيق**
الواقعة فوق ثمة الكون الفناء والفعل الاول
راسته كافي مثلا هفت ثمة باجر مبع

الاشرف حتى انتهى الى الانسان وهو بركاء نفسه
يرجع الى ربه راضيه مرضيه وقد وقع الاختيار
بين الملك والملك والشيطان لكن لا يفرق بين
اختلاف الاقوال كالفرق بين الانسان والحيوان
او بالاعراض كالفرق بين الانسان والحيوان
الفرق بين الانسان والحيوان لا يفرق بين
منها جوهر واحد لا يفرق بين
واما هذا فانه لا يفرق بين
تغير الكلام على سبيل المثال كقولنا
اي جسد لا يفرق بين الانسان والحيوان
الخاص به وهو الانسان

منها لا يخرج يدع النبي يخرج وقد برز
كبرية هذه الاشياء من غير سائر
جرت العادة في خلقها من الاشياء
شا الا كبقية فانه لا يخرج من الاشياء
عقل من جسد الانسان فانه
اصداق ان من شي الاشياء
شاهد كل خلقه من عذبة على خالقه ومن
كلنا على اننا والكاتب على الكاتب وقال
الملك لسان الحال ولكن انهم لا يسمون
وهو القوم الاخر يصير لسان حاله من
لونه على انهم مشاهير عرسا على انهم
يصير اصعب من انهم في النقطه **لكن** النقطه العارضة لا يفرق
وهم من انهم في النقطه **لكن** النقطه العارضة لا يفرق
انها نطقا خاليا ان حسيب انما يعرف ذلك لا يتاخر
ومن كانت له لانه يات من انهم في النقطه **لكن** النقطه العارضة لا يفرق
غير نصف في النقطه **لكن** النقطه العارضة لا يفرق
وان كان اعم واشهر لكن الايمان به
الاقام كلاما واحدا حسب الشافعية على جمل البتة في النقطه
الرحمة القدسية التي استعكت ما شئت من الاشياء والطاق طلبة
الى الجواهر التي استعكت ما شئت من الاشياء والطاق طلبة
العبادة وكثرة المواظبة على ما شئت من الاشياء والطاق طلبة
الشمس الواقعة على ما شئت من الاشياء والطاق طلبة
لما يطولنا سيرة به من المارة وسيا يلواضع ملكية
عن تلك المناصب وذلك الموضع هو الذي اذا خرج
خطا لا موقع النور من سطح الآر حصلت من الخطا
على الارض ساوت به للزاوية الحاصلة من الخطا
قوة من الماء والحرارة

نيل سه مرتع فيل وحيار سا وراه والله
تقابل الاشياء كلها وانه مبع ومنهم بعض
ايداعه وانما يفرق ولا فاعل البتة **ومن المانع**
يهدي من شيا الى سوار السيل وبها
الاول ليس من نوزة شيريل نور وده فام قائم بانه
فذلك صار من النفس بتوسط العقل بغير صفات كصفا
طور تر كيب اشباح اكثر اسماء عظم
الاشياء مثلا وغيره من الاشياء الفاعل فان جميع
الاشياء الفاعلة انما افاضها بصفات فيها لا
النية ازان ار كان فاضل در سندر كين
بوتها فان الفاعل الاول سبانه فانه يفعل شي
بغير صفات **لكن** ليس فيه صفات البتة لكنه
منها هو الله الفاعل والقاهر الواحد

منها لا يخرج يدع النبي يخرج وقد برز
كبرية هذه الاشياء من غير سائر
جرت العادة في خلقها من الاشياء
شا الا كبقية فانه لا يخرج من الاشياء
عقل من جسد الانسان فانه
اصداق ان من شي الاشياء
شاهد كل خلقه من عذبة على خالقه ومن
كلنا على اننا والكاتب على الكاتب وقال
الملك لسان الحال ولكن انهم لا يسمون
وهو القوم الاخر يصير لسان حاله من
لونه على انهم مشاهير عرسا على انهم
يصير اصعب من انهم في النقطه **لكن** النقطه العارضة لا يفرق
وهم من انهم في النقطه **لكن** النقطه العارضة لا يفرق
انها نطقا خاليا ان حسيب انما يعرف ذلك لا يتاخر
ومن كانت له لانه يات من انهم في النقطه **لكن** النقطه العارضة لا يفرق
غير نصف في النقطه **لكن** النقطه العارضة لا يفرق
وان كان اعم واشهر لكن الايمان به
الاقام كلاما واحدا حسب الشافعية على جمل البتة في النقطه
الرحمة القدسية التي استعكت ما شئت من الاشياء والطاق طلبة
الى الجواهر التي استعكت ما شئت من الاشياء والطاق طلبة
العبادة وكثرة المواظبة على ما شئت من الاشياء والطاق طلبة
الشمس الواقعة على ما شئت من الاشياء والطاق طلبة
لما يطولنا سيرة به من المارة وسيا يلواضع ملكية
عن تلك المناصب وذلك الموضع هو الذي اذا خرج
خطا لا موقع النور من سطح الآر حصلت من الخطا
على الارض ساوت به للزاوية الحاصلة من الخطا
قوة من الماء والحرارة

[illegible]

قامت النفس عند الموت
فجاءت القيامة الكبرى غلبت
لأن معاد القيامة لا يعيد إلا بعد
لا يجلبها إلا بعد لكن من تغلبت النفس والشر لا يعيد
كانت مشاهدة الآخر لا من دون تغلب أو فوات لحث والنشأ لا يعيد
الشهر ما وضع الدار من تغلب أو فوات لحث والنشأ لا يعيد
مخصص من الأوقات ينطبق من الوجوه دون الغضب إذا
القبائل حجت في المأخوذ من الدارين لم يلزم تأويل الوجبات
في القاء الثانية قبل إتمام الدارين لم يلزم تأويل الوجبات
لأن الثانية الأولى ساكنة في آخرى تحمل فائتاج إثبات
بالآخرين لأن الأولى ساكنة في آخرى تحمل فائتاج إثبات
نفسها من لحن الأدوار ليكون معاد القيامة لا يعيد إلا بعد
تأثير النفس في الدين مؤثر

في القلب بـ
 كبري في الشئ صرح بـ
 لا احتمال والثاني صريح الإيمان به
 خفية صريحة البك استعداد في لقب كذا من التخليد حتى يحصل
 التعجب من أن لا استعداد إلا في لقب قريب القوم ولا استعداد في التوبة في التوبة
 مدفع وما وأنه لم يقط منها وعفونة لم يعلق لم يعلق الروح في التوبة في التوبة
 الذباب **والمحاصل** المظلم الثقب التي الجاهل التفتير
 الفاسد اعجب من عودة أنابا
 جميع متفرقات الفناء
 ونفس

[illegible][illegible][illegible]

بالقافية
فأمر فكيف
الفتى المناهضة
أحواله بالمشاهدة
الرحمة واسعة وفق البصيرة
الشهوات
تقليد فان العطار يخلط باختيار
والرحمة واسعة وفق البصيرة
الشهوات
تقليد فان العطار يخلط باختيار

وراحت ثقاب حجاب روضي وكساي
بالأعين العقلية الروحية التي اجتمعت في الحاشية
الواحدة الفاتحة جميع القوي الحاشية مع قوة
السادة الجامعة الكونية بقية المستغنية
وراحت ثقاب حجاب روضي وكساي
بالأعين العقلية الروحية التي اجتمعت في الحاشية
الواحدة الفاتحة جميع القوي الحاشية مع قوة
السادة الجامعة الكونية بقية المستغنية

فيما قال عليهم
من يدين بلاق القرآن
فان العباد ان اجتمعوا
لشبه الالاد ما عرفوا
الاطنية وحقيقة ميزات
معاذ الله من انفسك
وحي العطار

شال مرارة الرتبة من الحجاب
علا ما رأى النائم من الحجاب
المطلة والقصور البنية من الذهب والفضة
للقلوب والاشجار المطردة بالدين والفساد
والهوى كواحد على فرع آخر من الفرج والفرج
يرجع بعضه الى سرور السلم والحكم وبعضه
تفاد الامر وعزل الملك وبعضه على ملاقات احد
الاجنية وان اشتمل جميعا مع اختلاف المراتب
بمعنى التفرقة والذلة وبما كان لاقام الثالثة
لما لا يجتمع بين الكل ويقتضي كل واحد
لقد استعده واستغنى من حقيقته

وقل هو الله احد حسي الله الصمد طليعه بامعة
قلت المير في الصور من المصطفى الطليعه
ومن الناس بعد تميزه مقدما على العالم الحي
انما الله صمد في العالم العقلي الروحي لانه
منصور به حضار برز حوش طالوت يعني
هو المنصور على هذا العالم الحي والقرية والكمال
والدوام فلما كان العالم الاصل تاما فلا محالة لا يشاء
التي في الساطع واشرف من التي هيها بسماء ذات
نصرت وظهر وهدى تر قضايس
حيوة وارضة كذالك وكذا كذا وكذا وكذا
انقار كاتري همسا لانه ليس جسمانية وكذا
فيها جارية وشار جارية وشار جارية
وزير در زربا قصدت به سيدنا ونيار
لحيوة وجبالها شاعة واشجارها يابنة وثمارها طام
وتخلها باقية خديعة البهاء والبقاء والصناد
طبايع حيواتها الارضية والمائية والهوائية
في الخبير واتي يوم من الموت افر

في الخبير واتي يوم من الموت افر
في الخبير واتي يوم من الموت افر
في الخبير واتي يوم من الموت افر
في الخبير واتي يوم من الموت افر
في الخبير واتي يوم من الموت افر

نوم ما قدر اول نوم قدر دوم ما قدر لم خش

الردى واذا قدر لم يغن الخدر خود

له لأن العالم العنصر الأعظم هو التي التام الذي فيه جميع
الاشياء لا ينابيع من المبدع الأول التام ملوكة
من كل عقل ونفس حيوان وعن غريزة وقوة وما

عالم پیلیمان و اجرائیش بحر عمان سپر

بجستغله و قنر و یجری حیون لائ
الاشباء من عین واحد لا کائنا
سراة واحد و دخی واحد و ما

سلطان فرزند معترف کوان و موز و چهار

أخذوا كل كنية واحدة مبسوطة جافقة كاملة
لك الكنية وطعم لوزين وداحية وطعم طيبة بيته شربة

منه خبر دان و ثبات البیان فی ثبات المحبان

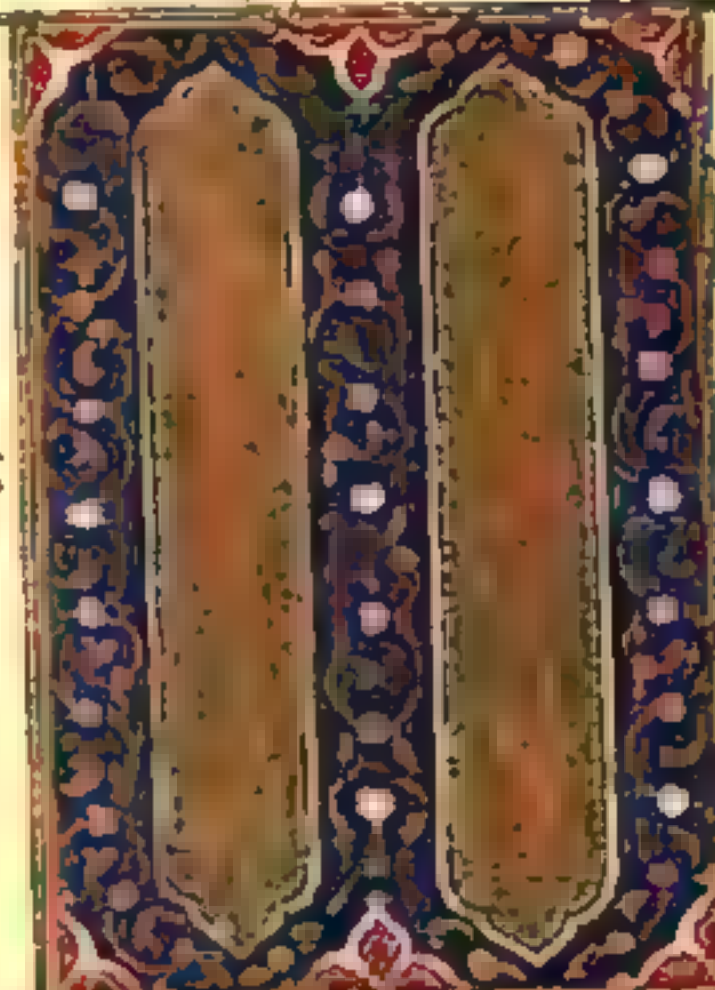
س

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, filling the right page. The text is densely packed and includes several lines of red ink, possibly indicating headings or specific sections. The script is highly stylized and characteristic of historical manuscript writing.

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, filling the left page. The text is densely packed and includes several lines of red ink, possibly indicating headings or specific sections. The script is highly stylized and characteristic of historical manuscript writing.

دوازده

۱۱



و او املت المقادير صلت التداير

مال جزى بي ضلعش افعال حجة الاسلام

و جذرى بامر تبش ما يجب فيهم

انحس اقاليم جهان درجات طبقات

ملوك فرس شهور رجعت اكبر زارش

Handwritten marginal notes in Persian script, including dates like 'سال ۱۰۳۰' and 'سال ۱۰۳۱'.

Handwritten notes at the bottom of the right page, including 'سال ۱۰۳۰' and 'سال ۱۰۳۱'.



و او ساط شهور مدت اسقامت اعظم

ان وظلم الظلم بظلم الايمان بظاهر

Handwritten marginal notes in Persian script, including dates like 'سال ۱۰۳۰' and 'سال ۱۰۳۱'.

Handwritten notes at the bottom of the left page, including 'سال ۱۰۳۰' and 'سال ۱۰۳۱'.

والاشياء الخلق بالماهية لا يستوعب اشراكها في بعض
الانواع فلا يجوز ان يقال من الاجسام انواع لطيفة
فان حبة القمح واحدة عامة غير ان الفرق في القوة
فان الفصل عن الصغار في طرفة عين تقدر في
الاجزاء على هذه التدبيرات والاختلافات في
على القوة والتدبير مصونة عن الحلال والوقت بطول
الاثر والتمشية لا في غير خارج عن حيزها ولا في
مع ما صرح به القرآن واخبر به شدة الانوار والظلال
وعن شبهة الثانية ان لا يلزم حصول تلك الصفة
والصداق مع كل واحد لا يورث مدالا فيه لا
طائفة في حقها لا في حيزها ولا في حيزها ولا في
لا يلزم ان القول بوجوده وجوب الطول في حقها
طوله لان كثر الاماكن والاختلاف في طوله
عنه لا في سبيل ان لا يكون له الصفة في كل
والتميز في سبيل ان لا يكون له الصفة في كل
التميز في سبيل ان لا يكون له الصفة في كل
التميز في سبيل ان لا يكون له الصفة في كل

نسك البهائم فخط سائر البهائم
افضل خد او مد متعال فاصبر على ما يقو
وسبح بحمد ربك بالغدو والاصال جز
جمع كسح اربعة مبعثات متواليه اسباب
حرم نسا واصناف محجور عليه وشروط

ان لا يكون له الصفة في كل
التميز في سبيل ان لا يكون له الصفة في كل
التميز في سبيل ان لا يكون له الصفة في كل
التميز في سبيل ان لا يكون له الصفة في كل

بغير الانسان عا د الخلق بلزوم التدبير والتسلسل
فلا بد ان يصير الانسان الى التدبيرات وادراكه
بجملتها من اسباب صفة وهي اشياء لا تملك
بأشياء من تدبيرات الله فادراكه هذه الصفة
كيفية صفة التدبيرات التي تملك فادراكه
التميز في سبيل ان لا يكون له الصفة في كل
التميز في سبيل ان لا يكون له الصفة في كل
التميز في سبيل ان لا يكون له الصفة في كل
التميز في سبيل ان لا يكون له الصفة في كل

صحة اجازات ونقص وهو خمس الذين او
انهم عنهم الرجب جملة سرايط وجوب
قصاص بازكوة انعام بلوك اسمعيلية مصر
ازبادات وخطبة البيان مطهرة كمان
كان ترك بترد بر تا جيك در ميل مرام

انهم في قديم زمان
منهم من يقول انهم من بني النضير
منهم من يقول انهم من بني النضير
منهم من يقول انهم من بني النضير

100



بن کشته همایم پستبظ از توالی حروف

مفردات ولا گونوا کالدین بقدر قوا

واخلقوا من بعد ما جازتهم البتات رقم

وحدانی بقدریم اصفار بعدہ انفار کک

الکن در صورت معنی قطن کلک و

کتابخانه خطاطی و کتابخانه خطاطی

عبد

Handwritten marginal notes on the right page, including dates like 1034 and 1035, and references to specific events or locations.



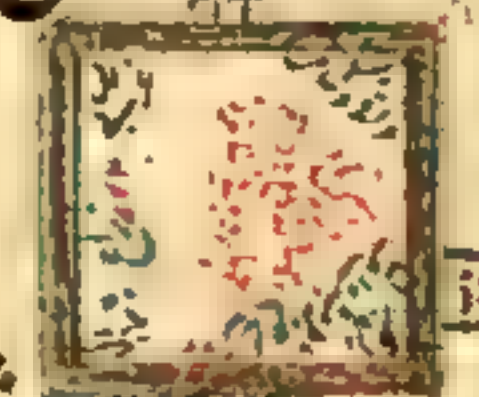
قلب عالم و آدم نمایند لولو کسری از قدم

و تارک و کاکت فی نو الکل لانی

کک مقدم موفق بلی و موزر بعدم

ثانی و سطح هوایی در اقل خاکی شمار ذراع

ضلع طویلی یعنی از کجی حشر شرق اعتدال تا کجی



104

Extensive handwritten marginal notes on the left page, continuing the text and providing commentary or additional information.

[illegible]

احول شجره قوت طوبی صفت راع عرو قبا

واعضائهم وقصورها واربارها واورها

واما زياره ولبو كذا التي اصلها ثابت و

فرعها في السمار نجدش باقى رابع ربا ع

افعال ثلاثی مجتهد را موازین المصاوير

[illegible]

و در تعیید امتهات فرق اصحاب مل و ارباب

محل سبع شینی کا فی اہل بصائر و پسترا

عرض بطرد قیق و فحص لمنع لفظاً اومعنی کلاً

واجباً حرفاً او عدداً تماماً او بعضاً

جمعا وقریبا بیطا او مرکبا حقیقا و مجازا

[illegible]

[illegible]

مِفْتَاحُ الْاَنْبَاءِ اَعْلَمُ سِفْطِ اَعْلُو مَآئِشِ

اللَّهُمَّ ارِنِي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ
 أَنَا **عَبْدُكَ الْمُسْتَغِيرُ** بِأَتَاكَ صَدَقَ كَقَوْلِكَ
 مَقْدَمُ الْمَكْرُودِ وَأَتَاكَ مَقْدَمُ وَرَثَتِكَ عِبَادُكَ الْكَلِيلَةِ
 الْأَعْيَا أَلْأَحْلَ الْأَكْثَرِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ
 لِرُؤْيَاكَ مَظْهَرٌ وَكَثِيرٌ لَوْ كُنَّ مَقْدَمُ الرَّاغِبِينَ كَمَا يُرِيدُ
 بِحَبِّهِ وَأَتَاكَ مَقْدَمُ **خَيْرِ** أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَكْسِ
 بِهِ عَلَى مَخَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ

[illegible]

حقیقت که
توین شایسته
قوتیه و غیره
بجایست خطیه تو اهدیه
و بر این یکصد نفر شکون و ظنون یک در اقبال
و شعر کمالی مال شایسته است
و در این کتاب معلوم شد که از ویرانه
اندیشه و کمال و از ویرانه
و در این کتاب معلوم شد که از ویرانه
و در این کتاب معلوم شد که از ویرانه

انْفَجَحَتْ **وَعَلَى مَصَاقِقِ ابْوَابِ الْأَرْضِ الْفَرَجِ**
 و با وضع آتی غیر محال منعکس مافطاحت و گشود
 و کم سال به کلا استصحا محبین بمنیر بصورت عظیم کبر
 انْفَرَجَتْ **وَعَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَبَيُّرٌ وَعَلَى الْأُمُورِ**
 بود چه کرب خاص پسندم کرب عام است و مواد ممکن
 التامه مایه العکس و موجبه از تیره و اتفاقیه و استصحا
 لِلشُّورِ انْشَرَّتْ **وَعَلَى كَيْفِ الْبَأْسِ وَالضَّرَاءِ**
 خواه کلی و خواه جزیه منعکس و عکس هم جزیه استصحا
 اگر متضاد را کینی عکس کند و الا عکس از و مراد و مرید
 انْكَشَفَتْ **وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي**
 عکس اتفاقه اتفاقه عکس بقدر در شبه طیات اگر
مُقَابِلُ مَقْدَمِ رَأْفَتِكَ كُنْتُ وَمُقَابِلُ قِيَامِ مَقْدَمِ شَيْءٍ
 عِبْتُ لَكَ الْوَجْهَ وَخَضَعْتُ لَهُ الرِّقَابَ

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

قبح است ۲ در صغر غرض بل امکانی اگر کبر ضرورت
 یا دیگر خود تمام ضرورت را بداند و اگر خدایان نباشد خود
 تمام باشد ضرر غرض ۳ است با در صحت و موضوع اگر در
 یک متعدد است از خود و فکر او و اگر در وقت و ماضی
 متعدد است با در وصف و اگر متعدد است در صفات ضرورت در
 خود و غیره همچنان و اگر مختلط باشد نیز همه مشروط
 و از کبر غرض خود و غیره مختل ضرورت و لازم است ۵
 چه ضرورت است از کثرت یا کسب آدم الانکار
 و نیز در مختصات شکل دوم که انجاء موجب

قبح است ۲ در صغر غرض بل امکانی اگر کبر ضرورت
 یا دیگر خود تمام ضرورت را بداند و اگر خدایان نباشد خود
 تمام باشد ضرر غرض ۳ است با در صحت و موضوع اگر در
 یک متعدد است از خود و فکر او و اگر در وقت و ماضی
 متعدد است با در وصف و اگر متعدد است در صفات ضرورت در
 خود و غیره همچنان و اگر مختلط باشد نیز همه مشروط
 و از کبر غرض خود و غیره مختل ضرورت و لازم است ۵
 چه ضرورت است از کثرت یا کسب آدم الانکار
 و نیز در مختصات شکل دوم که انجاء موجب

[illegible][illegible]

卷之四

از مشكلات غزل و مرثیه و قیاس استنایایه و لری و مرثیه
موجیه و یاییه و جویاییه و استنایاییه و عین مقدمه و مستح

عین الامر باستانه نقیض است مستحق نقیض مقدم **اگر**
زید کا قیامت بیدار بود **و** لیکن کافیت پس بیدار بود **و** لیکن

پندار نیست پس کاتب بخود و اپشتانها نقیض مقدم و بدین
آلای عظیم در ذممه رسیده که بگوید کاتب یا پندار نیست هیچ کدام

نیاید پس از استثنائات را به حکم و مستح و عظیم
مکرر و مازطری و استثناء عین خبر و نقص خبر و

مضمون: زورم نہ ہو
نہیں جو جو
نہیں جو جو

نخل بدو اما نخل بدو کل

[illegible][illegible]

دیگر بود و ایستنا بقصص هر جزو و عین جزو دیگر نمی بود
و حقیقت هر لزوم باین نوع قیاس کامل بود و در مقصد

از دو مرتبه با استثنای این سرجه و در بعضی جزو دیگر
فتحه ده **له** چنین نیست که اگر زیاده کاتب باشد ختم شود

لیکن کات میت پس خرد شد و لیکن خواست پس کات
و استنا بعض عیون اگر کوه کات آخر میت نزد

نیاید. بیان این نتایج بر دو سالبه است. موجدی از مصلحت
هر کار در یک کاستش حریفی. با بقایای عین مقدم تلج

فہیات

نظرات

و اما در این کتاب که در این کتابخانه است

(Faint handwritten Persian text from another page)

و جند الملائكة الصافين حول
اربع بر خند اعتبار مود و بوجی اعم از بر خند
انما هم بر ان مطلوب بالذات است و کجب
العرش جافین و يصلون المصلين
شخص نوع نافع و خطایب و شعرا و مطالحت
و معالط و بدل بالذات غیر غیر پیش تقدیم
و تقدین المسبحین و تحلیل الذاکرین
اولا جند قبل از تقدیم و اوصاف و کتب
که تقدیم و تقدیم و تقدیم و تقدیم
و کشف المحققین و لیهود الصیدا
استخراج مایه القوه را جوست است که بودی
و فاعل اعم از استاد و مکتوب و دیگر محل قابل
و منازل المقربين و مراتب الکروین

و جند الملائكة الصافين حول
اربع بر خند اعتبار مود و بوجی اعم از بر خند
انما هم بر ان مطلوب بالذات است و کجب
العرش جافین و يصلون المصلين
شخص نوع نافع و خطایب و شعرا و مطالحت
و معالط و بدل بالذات غیر غیر پیش تقدیم
و تقدین المسبحین و تحلیل الذاکرین
اولا جند قبل از تقدیم و اوصاف و کتب
که تقدیم و تقدیم و تقدیم و تقدیم
و کشف المحققین و لیهود الصیدا
استخراج مایه القوه را جوست است که بودی
و فاعل اعم از استاد و مکتوب و دیگر محل قابل
و منازل المقربين و مراتب الکروین

و جند الملائكة الصافين حول
اربع بر خند اعتبار مود و بوجی اعم از بر خند
انما هم بر ان مطلوب بالذات است و کجب
العرش جافین و يصلون المصلين
شخص نوع نافع و خطایب و شعرا و مطالحت
و معالط و بدل بالذات غیر غیر پیش تقدیم
و تقدین المسبحین و تحلیل الذاکرین
اولا جند قبل از تقدیم و اوصاف و کتب
که تقدیم و تقدیم و تقدیم و تقدیم
و کشف المحققین و لیهود الصیدا
استخراج مایه القوه را جوست است که بودی
و فاعل اعم از استاد و مکتوب و دیگر محل قابل
و منازل المقربين و مراتب الکروین

و جند الملائكة الصافين حول
اربع بر خند اعتبار مود و بوجی اعم از بر خند
انما هم بر ان مطلوب بالذات است و کجب
العرش جافین و يصلون المصلين
شخص نوع نافع و خطایب و شعرا و مطالحت
و معالط و بدل بالذات غیر غیر پیش تقدیم
و تقدین المسبحین و تحلیل الذاکرین
اولا جند قبل از تقدیم و اوصاف و کتب
که تقدیم و تقدیم و تقدیم و تقدیم
و کشف المحققین و لیهود الصیدا
استخراج مایه القوه را جوست است که بودی
و فاعل اعم از استاد و مکتوب و دیگر محل قابل
و منازل المقربين و مراتب الکروین

و سرور الشاکرین و وفاء
خواه نمید و خواه مدرک و بکریا است هر دو شاکر و کفری
باشد یا مدرک یا بکریا یا بکریا یا بکریا
المحسنین و وثوق الراغبین و بیدل
چنگ و مراد بخت عمر سبت زمانه چ شایده که در
بعضی صورت ساین و سبب فرامیست زمانه و مراد
الراحمین و منهج الراشدین و بانیته
نظم اعم از تصور و تصدیق و تقصیر و غنی و تنجیل و معنی
شامل که و غیر سبت هر عمر و کبر و مراد است و
الکاملین و توفیق العاملين و خضوع
باستماع و روتل شایده که همه علوم کتب باشد
العايدین و خضوع الساجدين و یادکا

و سرور الشاکرین و وفاء
خواه نمید و خواه مدرک و بکریا است هر دو شاکر و کفری
باشد یا مدرک یا بکریا یا بکریا یا بکریا
المحسنین و وثوق الراغبین و بیدل
چنگ و مراد بخت عمر سبت زمانه چ شایده که در
بعضی صورت ساین و سبب فرامیست زمانه و مراد
الراحمین و منهج الراشدین و بانیته
نظم اعم از تصور و تصدیق و تقصیر و غنی و تنجیل و معنی
شامل که و غیر سبت هر عمر و کبر و مراد است و
الکاملین و توفیق العاملين و خضوع
باستماع و روتل شایده که همه علوم کتب باشد
العايدین و خضوع الساجدين و یادکا

و سرور الشاکرین و وفاء
خواه نمید و خواه مدرک و بکریا است هر دو شاکر و کفری
باشد یا مدرک یا بکریا یا بکریا یا بکریا
المحسنین و وثوق الراغبین و بیدل
چنگ و مراد بخت عمر سبت زمانه چ شایده که در
بعضی صورت ساین و سبب فرامیست زمانه و مراد
الراحمین و منهج الراشدین و بانیته
نظم اعم از تصور و تصدیق و تقصیر و غنی و تنجیل و معنی
شامل که و غیر سبت هر عمر و کبر و مراد است و
الکاملین و توفیق العاملين و خضوع
باستماع و روتل شایده که همه علوم کتب باشد
العايدین و خضوع الساجدين و یادکا

1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	27	28	29	30	31	32	33	34	35	36	37	38	39	40	41	42	43	44	45	46	47	48	49	50	51	52	53	54	55	56	57	58	59	60	61	62	63	64	65	66	67	68	69	70	71	72	73	74	75	76	77	78	79	80	81	82	83	84	85	86	87	88	89	90	91	92	93	94	95	96	97	98	99	100
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	27	28	29	30	31	32	33	34	35	36	37	38	39	40	41	42	43	44	45	46	47	48	49	50	51	52	53	54	55	56	57	58	59	60	61	62	63	64	65	66	67	68	69	70	71	72	73	74	75	76	77	78	79	80	81	82	83	84	85	86	87	88	89	90	91	92	93	94	95	96	97	98	99	100
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	27	28	29	30	31	32	33	34	35	36	37	38	39	40	41	42	43	44	45	46	47	48	49	50	51	52	53	54	55	56	57	58	59	60	61	62	63	64	65	66	67	68	69	70	71	72	73	74	75	76	77	78	79	80	81	82	83	84	85	86	87	88	89	90	91	92	93	94	95	96	97	98	99	100
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	27	28	29	30	31	32	33	34	35	36	37	38	39	40	41	42	43	44	45	46	47	48	49	50	51	52	53	54	55	56	57	58	59	60	61	62	63	64	65	66	67	68	69	70	71	72	73	74	75	76	77	78	79	80	81	82	83	84	85	86	87	88	89	90	91	92	93	94	95	96	97	98	99	100
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	27	28	29	30	31	32	33	34	35	36	37	38	39	40	41	42	43	44	45	46	47	48	49	50	51	52	53	54	55	56	57	58	59	60	61	62	63	64	65	66	67	68	69	70	71	72	73	74	75	76	77	78	79	80	81	82	83	84	85	86	87	88	89	90	91	92	93	94	95	96	97	98	99	100
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	27	28	29	30	31	32	33	34	35	36	37	38	39	40	41	42	43	44	45	46	47	48	49	50	51	52	53	54	55	56	57	58	59	60	61	62	63	64	65	66	67	68	69	70	71	72	73	74	75	76	77	78	79	80	81	82	83	84	85															

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

مفید نظر است **۱** جسم فاعل **۲** حاکم **۳** حاکم **۴** حاکم **۵** حاکم **۶** حاکم **۷** حاکم **۸** حاکم **۹** حاکم **۱۰** حاکم **۱۱** حاکم **۱۲** حاکم **۱۳** حاکم **۱۴** حاکم **۱۵** حاکم **۱۶** حاکم **۱۷** حاکم **۱۸** حاکم **۱۹** حاکم **۲۰** حاکم **۲۱** حاکم **۲۲** حاکم **۲۳** حاکم **۲۴** حاکم **۲۵** حاکم **۲۶** حاکم **۲۷** حاکم **۲۸** حاکم **۲۹** حاکم **۳۰** حاکم **۳۱** حاکم **۳۲** حاکم **۳۳** حاکم **۳۴** حاکم **۳۵** حاکم **۳۶** حاکم **۳۷** حاکم **۳۸** حاکم **۳۹** حاکم **۴۰** حاکم **۴۱** حاکم **۴۲** حاکم **۴۳** حاکم **۴۴** حاکم **۴۵** حاکم **۴۶** حاکم **۴۷** حاکم **۴۸** حاکم **۴۹** حاکم **۵۰** حاکم **۵۱** حاکم **۵۲** حاکم **۵۳** حاکم **۵۴** حاکم **۵۵** حاکم **۵۶** حاکم **۵۷** حاکم **۵۸** حاکم **۵۹** حاکم **۶۰** حاکم **۶۱** حاکم **۶۲** حاکم **۶۳** حاکم **۶۴** حاکم **۶۵** حاکم **۶۶** حاکم **۶۷** حاکم **۶۸** حاکم **۶۹** حاکم **۷۰** حاکم **۷۱** حاکم **۷۲** حاکم **۷۳** حاکم **۷۴** حاکم **۷۵** حاکم **۷۶** حاکم **۷۷** حاکم **۷۸** حاکم **۷۹** حاکم **۸۰** حاکم **۸۱** حاکم **۸۲** حاکم **۸۳** حاکم **۸۴** حاکم **۸۵** حاکم **۸۶** حاکم **۸۷** حاکم **۸۸** حاکم **۸۹** حاکم **۹۰** حاکم **۹۱** حاکم **۹۲** حاکم **۹۳** حاکم **۹۴** حاکم **۹۵** حاکم **۹۶** حاکم **۹۷** حاکم **۹۸** حاکم **۹۹** حاکم **۱۰۰** حاکم

۱۲۵
۱۲۶
۱۲۷
۱۲۸
۱۲۹
۱۳۰
۱۳۱
۱۳۲
۱۳۳
۱۳۴
۱۳۵
۱۳۶
۱۳۷
۱۳۸
۱۳۹
۱۴۰
۱۴۱
۱۴۲
۱۴۳
۱۴۴
۱۴۵
۱۴۶
۱۴۷
۱۴۸
۱۴۹
۱۵۰
۱۵۱
۱۵۲
۱۵۳
۱۵۴
۱۵۵
۱۵۶
۱۵۷
۱۵۸
۱۵۹
۱۶۰
۱۶۱
۱۶۲
۱۶۳
۱۶۴
۱۶۵
۱۶۶
۱۶۷
۱۶۸
۱۶۹
۱۷۰
۱۷۱
۱۷۲
۱۷۳
۱۷۴
۱۷۵
۱۷۶
۱۷۷
۱۷۸
۱۷۹
۱۸۰
۱۸۱
۱۸۲
۱۸۳
۱۸۴
۱۸۵
۱۸۶
۱۸۷
۱۸۸
۱۸۹
۱۹۰
۱۹۱
۱۹۲
۱۹۳
۱۹۴
۱۹۵
۱۹۶
۱۹۷
۱۹۸
۱۹۹
۲۰۰

[illegible][illegible][illegible]

[illegible]

فصل اول در بیان اقسام علم و ادب
علم را دو قسم است یکی علمی که از طریق
تجربه حاصل می شود و یکی علمی که از طریق
تفکر حاصل می شود. و ادب را نیز دو قسم
است یکی ادب عملی که در امور دنیا و
آخرت لازم است و یکی ادب علمی که در
پیشبرد علم لازم است. و هر یک از این
قسمت ها را در این کتاب به تفصیل
مطرح می نمایم.

فصل دوم در بیان اقسام علم و ادب
علم را دو قسم است یکی علمی که از طریق
تجربه حاصل می شود و یکی علمی که از طریق
تفکر حاصل می شود. و ادب را نیز دو قسم
است یکی ادب عملی که در امور دنیا و
آخرت لازم است و یکی ادب علمی که در
پیشبرد علم لازم است. و هر یک از این
قسمت ها را در این کتاب به تفصیل
مطرح می نمایم.

فصل اول در بیان اقسام علم و ادب
علم را دو قسم است یکی علمی که از طریق
تجربه حاصل می شود و یکی علمی که از طریق
تفکر حاصل می شود. و ادب را نیز دو قسم
است یکی ادب عملی که در امور دنیا و
آخرت لازم است و یکی ادب علمی که در
پیشبرد علم لازم است. و هر یک از این
قسمت ها را در این کتاب به تفصیل
مطرح می نمایم.

فصل دوم در بیان اقسام علم و ادب
علم را دو قسم است یکی علمی که از طریق
تجربه حاصل می شود و یکی علمی که از طریق
تفکر حاصل می شود. و ادب را نیز دو قسم
است یکی ادب عملی که در امور دنیا و
آخرت لازم است و یکی ادب علمی که در
پیشبرد علم لازم است. و هر یک از این
قسمت ها را در این کتاب به تفصیل
مطرح می نمایم.

ان در مطلب نظر افروخته جو بایست که سوره
 عین نفع من اکلان بهوت لازم بود مانند کار حسن عباد
 بن العالین من عقوق چون با جوانان عباد در محبت چنانکه
 باز از حق و نعم بهار خود را در سوره انوار
 بگفتند احسان و حسن عباد صلی الله علیه و آله
 تمام مطلوب بود با عباد که عباد صلی الله علیه و آله
 خارج از ازای عباد که عباد صلی الله علیه و آله
 در محبت عباد که عباد صلی الله علیه و آله
 انصورت که هم بیاد در بیان هم بیاد صلی الله علیه و آله
 در حدیث عالم بیایند عباد صلی الله علیه و آله
 بود با صد عباد که عباد صلی الله علیه و آله
 در هر حال و در هر حال عباد صلی الله علیه و آله

(This page contains dense handwritten Persian calligraphy in Nasta'liq script, likely a continuation of the philosophical or theological treatise from the previous page. The text is written diagonally across the page.)

[illegible][illegible]

[illegible]

اربع قسم بود و باشد مغلطه است که گفت که چنانچه جنسی زوج
 بود و که با شکرانک الیف صادق باشد و بی آن کلاب **ست** ممکن
 بود و با غاوس شود و سکت ناطق **چ**
 که کلاب **ست** ممکن که چنانچه جنسی زوج بود و بی آن کلاب
 بود و با غاوس شود و سکت ناطق **چ**
 که کلاب **ست** ممکن که چنانچه جنسی زوج بود و بی آن کلاب
 بود و با غاوس شود و سکت ناطق **چ**

[illegible][illegible]

بمعنی
شبها و نوبات
بمشهورات و معروفات
استیات **الثالث** فی الاستیات
ما ینفع بها الجیب
اشعار باجرامی عرضیه کردار و ادعای
کشی و نقصی جواب صواب نقصان
نا اماره کشی و نقصی جواب صواب
کذب و خلاف مشهور و از اسباب
از اسباب نارسانی جواب سوال
از اقسام مثلا پسند طاعت پدران
امور واجب بود یا در هیچ
امر واجب

[illegible]

از حال صحت او را...
بجای دو غایت...
از حال صحت او را...
بجای دو غایت...
از حال صحت او را...
بجای دو غایت...

از حال صحت او را...
بجای دو غایت...
از حال صحت او را...
بجای دو غایت...
از حال صحت او را...
بجای دو غایت...

از حال صحت او را...
بجای دو غایت...
از حال صحت او را...
بجای دو غایت...
از حال صحت او را...
بجای دو غایت...

از حال صحت او را...
بجای دو غایت...
از حال صحت او را...
بجای دو غایت...
از حال صحت او را...
بجای دو غایت...

[illegible]

استبداد و انما
حقوق چاکران طاقان
کذا در متحمل نشوند
دانش و عاقلان
صدق گفتار ایل
خبر و شمع
از چهره عز
رکب الطبع
آتمم مختلفه
حفظ و احکام
شش و شش
بر بار و بار
و کم و کم
و کم و کم

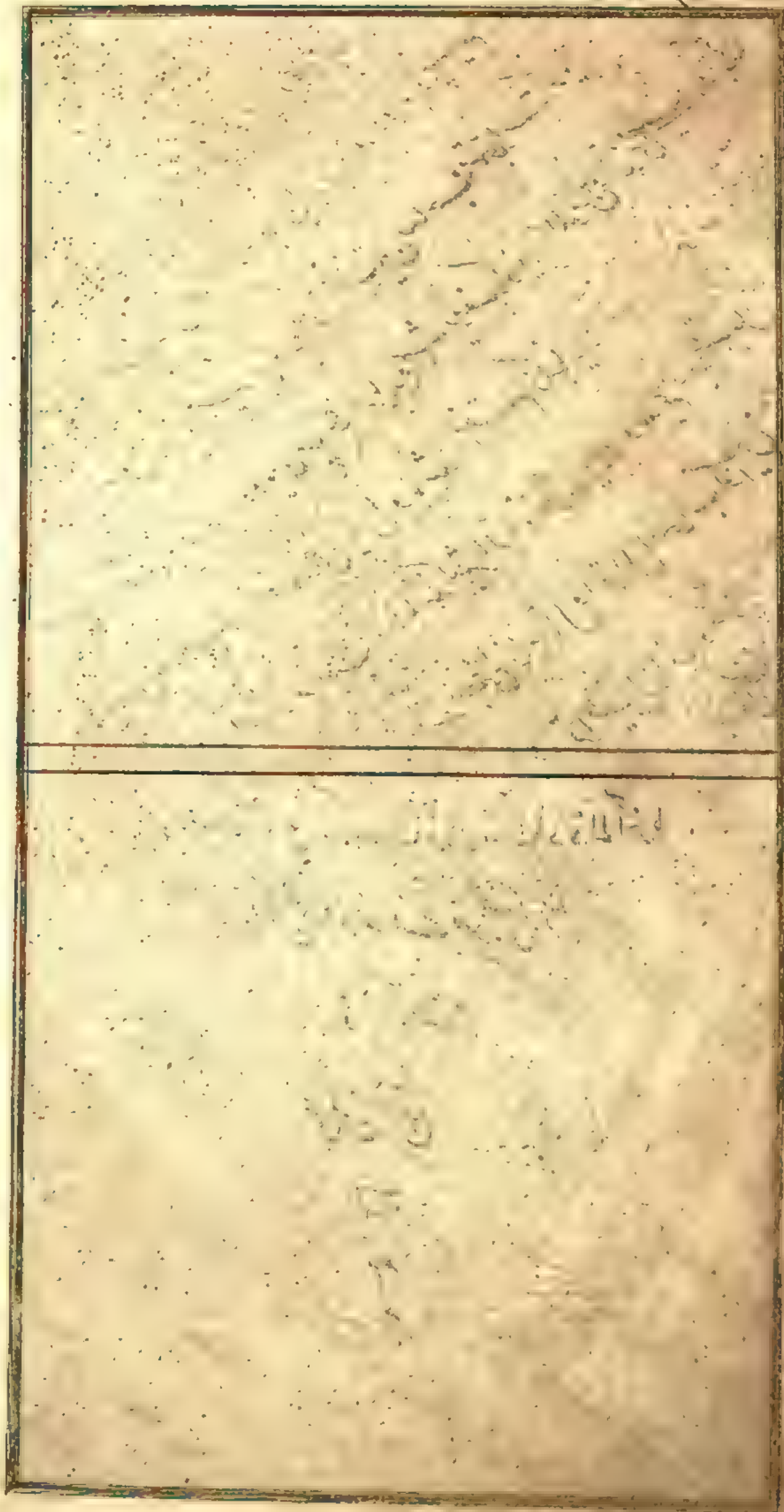
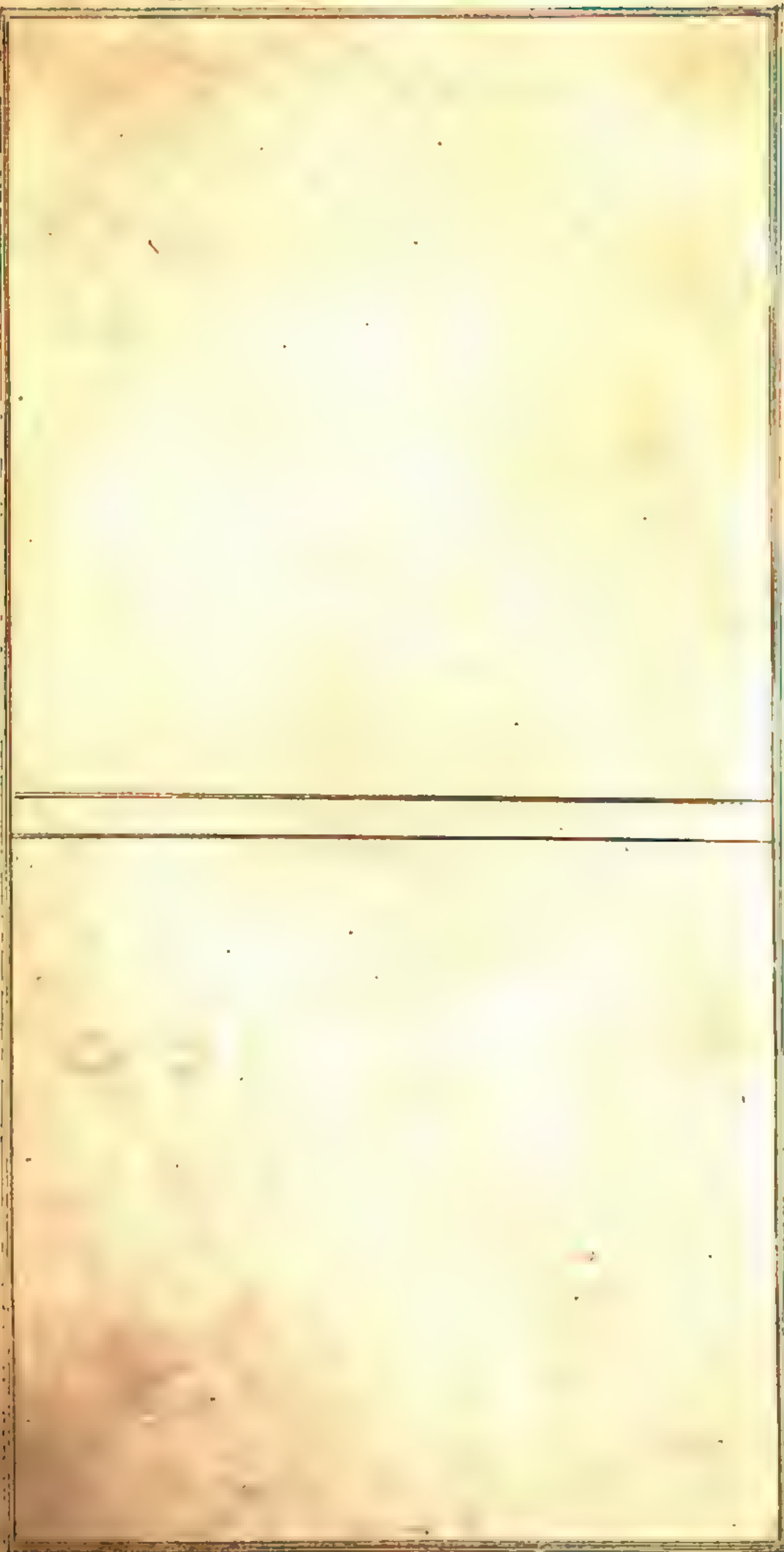
[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

این بخار آورده فاصدا را دانند یا شربت از او نوشی بکنند
تا به خیال باشد یا در بعضی مایه ها با عسل دیگر پزند و
در آنکه دوست دارند و آب از او نوشی بکنند و با عسل دیگر پزند
و این بخار آورده فاصدا را دانند یا شربت از او نوشی بکنند
تا به خیال باشد یا در بعضی مایه ها با عسل دیگر پزند و
در آنکه دوست دارند و آب از او نوشی بکنند و با عسل دیگر پزند

استفهام
باضمیرشان اسم فاعل و جهت رعایت
تنکاف از عدول جهت رعایت
حکم و لکنا است قصد بهایم
اسل و او که نیست است اما الذي عندی صیغه
بند هم بعد از تعظیم تخصیص متون تخفیر غیر این
و اما بکل علی لهما و حالات تقضیه تاخیر و تخصیص متون
من کرد و میدان او و باب و حاله افضای اطلاق نیز این
و از واردات همین باب و هر که بایشین ارم و
و من الغال از واردات همین باب و هر که بایشین ارم و
و من الغال از واردات همین باب و هر که بایشین ارم و





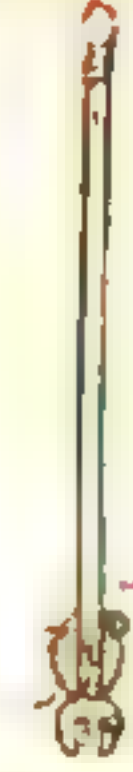





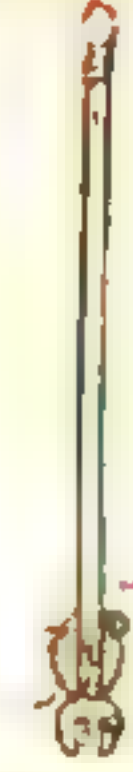


[illegible]



كوكبة الدب الأكبر	كوكبة الدب الأصغر	كوكبة التنين
		
كوكبة ققائوس	كوكبة العوا	كوكبة الفلك
		
كوكبة المجاني علكة	كوكبة الشلياق	كوكبة الطائر
		
كوكبة ذئب الكرى	كوكبة مساوس	كوكبة العنان
		

كوكبة الحمل	كوكبة الثور	كوكبة التوأمين
		
كوكبة السرطان	كوكبة الأسد	كوكبة العذراء
		
كوكبة الميزان	كوكبة العقرب	كوكبة الراعي
		
كوكبة الجدي	كوكبة الدلي هو الدلو	كوكبة التمسك
		

كوكبة الفهر	كوكبة الطبا الأكمة	جنوب
		
كوكبة السفينة	كوكبة قنطور والسبع	جنوب
		
كوكبة الباطية	كوكبة الأكليل	جنوب
		
كوكبة الثلاث	كوكبة الحيتا	جنوب
		

كوكبة السهم	كوكبة الدفين	كوكبة الرشا
		
كوكبة الفرس	كوكبة الباطية	كوكبة الثلاث
		
كوكبة السهم	كوكبة الدفين	كوكبة الرشا
		
كوكبة الفرس	كوكبة الباطية	كوكبة الثلاث
		
كوكبة السهم	كوكبة الدفين	كوكبة الرشا
		

۴۷۱۵ آیه عوفیه ۴۷۱۵
جان سخن باشد اگر چه سخن جان
و اسرار جان سخن که سخن دان





